

کاربست اصل آخرین راهکار در نظام کیفردهی (مطالعه موردی دادگستری شهرستان‌های همدان و بهار)

علی احسان شهنواز

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا همدان، همدان، ایران.

Ehsan_shahnavaz@yahoo.com

هادی رستمی (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی‌سینا، همدان، ایران.

h.rostami@basu.ac.ir

قابل انتشار در دوره ۲۶ شماره ۷۱ (پاییز ۱۴۰۶) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

اصل «آخرین راهکار» به‌عنوان یکی از دستاوردهای متعالی اندیشه کیفری بشر، بر تقدم راهکارهای غیرکیفری و محدودسازی مداخله‌های کیفری تأکید دارد. این اصل که ریشه در آموزه‌های عدالت‌محور فلاسفه‌ی حقوق و تحولات سیاست جنایی مدرن دارد، مداخله‌ی کیفری را تنها در صورت ناکارآمدی دیگر گزینه‌ها مجاز می‌داند. پژوهش حاضر، با هدف سنجش میزان التزام قضات دادگستری شهرستان‌های همدان و بهار به این اصل، با بهره‌گیری از روش آماری به تحلیل دیدگاه‌ها و رویه‌های آنان پرداخته است. یافته‌ها حاکی از پایین‌دستی متوسط قضات به این اصل و شکل‌گیری نسبی رویکردی معتدل در برخورد با متهمین است؛ با این حال، در حوزه جرایم امنیتی، همچنان گرایش به سخت‌گیری مشهود است. همچنین، گرایش به عدالت ترمیمی در برابر نارضایتی از نهادهای صلح‌آفرین، نشانگر چالش‌های ساختاری در اجرای مؤثر این اصل در نظام قضایی است. این پژوهش بر نیاز به بازاندیشی در سیاست جنایی ایران و نوسازی فرهنگ قضایی بر مبنای کرامت انسانی و عقلانیت کیفری تأکید دارد.

کلیدواژه‌ها: اصل آخرین راهکار، عدالت کیفری، سیاست جنایی، حقوق کیفری حداقلی، تحلیل آماری.

Application of the Principle of Last Resort in the Penal System (Case Study of the Judiciary of Hamadan and Bahar Counties)

Abstract:

The principle of "last resort", as one of the sublime achievements of human criminal thought, emphasizes the primacy of non-criminal solutions and the limitation of criminal interventions. This principle, which has its roots in the justice-oriented teachings of legal philosophers and developments in modern criminal policy, allows criminal intervention only when other options are ineffective. The present study, with the aim of measuring the level of commitment of judges of the Hamedan and Bahar counties to this principle, analyzed their views and practices using statistical methods. The findings indicate that judges adhere moderately to this principle and have a relatively moderate approach in dealing with defendants; however, in the area of security crimes, there is still a tendency towards strictness. Also, the tendency towards restorative justice in the face of dissatisfaction with peace-making institutions indicates structural challenges in the effective implementation of this principle in the judicial system. This research emphasizes the need to rethink Iran's criminal policy and modernize the judicial culture based on human dignity and penal rationality.

Keywords: The principle of last resort'; criminal justice'; criminal policy'; minimal criminal law'; statistical analysis.

مقدمه

در گستره پراشوب جوامع بشری، حقوق کیفری همچون مرزی است میان نظم و آشوب، میان عدالت و بی‌عدالتی. این شاخه از علم حقوق، ابزار پاسداشت ارزش‌های بنیادین انسانی را در اختیار نظام‌های اجتماعی قرار می‌دهد، اما خود نیز در معرض این خطر همیشگی است که از رسالت اصلی خویش فراتر رود و به ابزاری برای اعمال قدرت بی‌مهاری بدل شود. از این منظر، ضرورت وجود اصولی که دامنه دخالت حقوق کیفری را محدود سازد و کیفر را به آخرین حربه در مواجهه با انحرافات اجتماعی تبدیل کند، بیش از پیش آشکار می‌شود. اصل آخرین راهکار هشدار می‌دهد که توسل به کیفر نباید جز در موارد ضروری و پس از ناکامی تمام سازوکارهای غیرکیفری صورت پذیرد. در واقع، کیفر نه ابزاری نخستین، بلکه واپسین سنگر دفاعی در برابر ناپهنجاری‌های اجتماعی است؛ ابزاری که به دلیل هزینه‌های عظیم انسانی، اجتماعی و اقتصادی، تنها در شرایط اضطرار باید به میدان آورده شود. مجازات ماهیتی زیان‌بار دارد و پیامدهای آن نه تنها دامان بزهکار بلکه جامعه را نیز متأثر می‌سازد. از این رو، قاعده بر آن است که هیچ فردی نباید در معرض چنین آسیب و رنجی قرار گیرد مگر در شرایطی که هیچ راهکار دیگری برای حفظ نظم و حمایت از مصالح اجتماعی وجود نداشته باشد.^۱ از منظر تاریخی، اصل آخرین راهکار از دل آموزه‌های حقوق طبیعی، اندیشه‌های لیبرالیسم کلاسیک و تعالیم روشنگری سر برآورده و در پرتو سیر تکامل مفهوم دولت قانون‌مدار، به یکی از اصول بنیادین عدالت کیفری بدل شده است. تأمل در سیر تطور این اصل، ما را به درک ژرف‌تری از ماهیت عدالت کیفری و الزام به تحدید دامنه‌ی کیفر رهنمون می‌سازد. با این حال، پرسش اصلی اینجاست که این اصل در صحنه عمل چگونه تجلی می‌یابد؟ آیا مجریان عدالت، به ویژه قضات، در رویارویی با واقعیت‌های جامعه، به این قاعده حیاتی وفادار می‌مانند یا آن را در هیاهوی پرونده‌ها و فشارهای اجتماعی از یاد می‌برند؟ برای پاسخ به این پرسش اساسی، پژوهش حاضر با رویکردی تجربی، به بررسی میزان پایبندی قضات دادگستری شهرستان‌های همدان و بهار به اصل آخرین راهکار پرداخته است. در این راستا، از داده‌ها و نتایج فصل چهارم یک پژوهش دانشگاهی^۲ بهره گرفته شده و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، تلاش شده است تا شکاف میان نظریه و عمل در این حوزه مورد سنجش قرار گرفته و با تحلیل داده‌های آماری، تصویری واقعی از جایگاه این اصل در رویه قضایی ترسیم کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچند پایبندی به اصل آخرین راهکار در سطحی متوسط قرار دارد، اما تفاوت‌هایی معنادار بر مبنای نوع مقام قضایی، میزان تحصیلات و سابقه خدمت وجود دارد؛ تفاوت‌هایی که بی‌تردید حامل پیام‌های مهمی برای سیاست‌گذاران حقوقی و مدیران قضایی است. همچنین، یافته‌ها پرده از ضعف انسجام سیاست جنایی کشور در حمایت مؤثر از این اصل برداشته و ضرورت اصلاحات ساختاری در این عرصه را به شدت گوشزد می‌کند. بدین ترتیب، پژوهش حاضر گامی است کوچک در راه احیای عدالت کیفری و بازگرداندن حقوق کیفری به جایگاه طبیعی خود؛ جایگاهی که باید در آن، مجازات آخرین گزینه باشد، نه نخستین تدبیر.

۱- مبانی نظری و مفهومی

تحول نظام عدالت کیفری و گسترش اندیشه‌های حقوقی، ضرورت تمسک به اصولی بنیادین چون اصل آخرین راهکار را نمایان ساخته است. این اصل، در پرتو نگاه انسان‌شناسانه به بزهکار و احترام به آزادی‌های بنیادین، بر آن است تا حقوق کیفری را به آخرین ابزار اجتماعی در مقابله با ناپهنجاری‌ها بدل سازد. واکاوی مفهوم و ریشه‌های تاریخی این اندیشه، ما را بر آن می‌دارد که جایگاه و فلسفه وجودی آن را در منظومه عدالت کیفری مدرن بهتر دریابیم؛ چرا که بی‌تردید، فهم دقیق مبانی نظری و مفهومی، مقدمه‌ای اجتناب‌ناپذیر برای تحلیل کارکردها و الزامات اصل آخرین راهکار در عرصه جرم‌انگاری معاصر خواهد بود.

۱-۱- مفهوم اصل آخرین راهکار در حقوق کیفری

^۱ محمدرضا الهی‌منش و محسن مرادی. حق بر مجازات نشدن؛ رویکردی نوین در کاربست پاسخ‌های کیفری، (۱۴۰۴): ۶۷.

^۲ نک: علی احسان شهنواز. «کاربست اصل آخرین راهکار در جرم‌انگاری و کیفرگذاری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی‌سینا، (۱۴۰۲).

در قلمرو حقوق کیفری، اصل آخرین راهکار، ندایی است برای متولیان عدالت کیفری تا از سلاح جرم‌انگاری و کیفرگذاری، تنها در مقام اضطرار و در نهایتین مرحله بهره گیرند؛ آن‌گاه که دیگر ابزارهای پیشگیرانه و غیرکیفری به فرجام رسیده و کارایی خود را از دست داده باشند.^۳ در پرتو این نگرش، مجازات نه یک پاسخ بدیهی، بلکه شری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود که توسل به آن، فقط در شرایط ضرورت و پس از طی مراتب پیشینی مجاز خواهد بود. چنانچه اهداف مورد نظر مقنن، از طرق غیرکیفری قابل تحقق باشد، قانون‌گذار یا دادرس حق توسل به کیفر را ندارد.^۴ یکی از نکات اساسی مورد تأکید در اصل حداقل‌گرایی در حقوق کیفری، ارجحیت ابزارهای کنترل اجتماعی بر ابزارهای کیفری است. بر مبنای این دیدگاه، حتی در فرضی که جرم‌انگاری یک رفتار ضروری به نظر برسد، قانون‌گذار موظف است نشان دهد که سایر شیوه‌های مدنی، فرهنگی یا اجتماعی در مهار آن رفتار ناکارآمد بوده و تنها گزینه مؤثر، توسل به نظام کیفری است. به عبارت دیگر، هنگام بهره‌گیری از ابزار مجازات، باید میزان کارایی و ظرفیت واقعی حقوق کیفری نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. از آنجا که مجازات، شدیدترین واکنش جامعه در برابر رفتار مجرمانه محسوب می‌شود، اعمال آن باید به‌عنوان آخرین مرحله در فرایند کنترل اجتماعی صورت گیرد. بر همین اساس، اصل حداقل بودن حقوق جزا بر این امر دلالت دارد که تا زمانی که دیگر سازوکارهای اجتماعی کارآمد هستند و فاقد پیامدهای منفی کیفرند، لزومی به مداخله کیفری وجود نخواهد داشت.^۵ داگلاس هوساک بر این نکته تأکید می‌کند که مشروعیت مجازات زمانی موجه است که جنبه سزاوارانه داشته و صرفاً در قبال رفتارهایی اعمال گردد که ناظر بر منع آسیب‌ها و شرارت‌های جدی‌اند.^۶

اصل «آخرین راهکار» تأکید دارد که در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی، نباید بلافاصله به ابزار کیفری متوسل شد و استفاده از مجازات باید به عنوان آخرین گزینه مطرح باشد. از آن‌جا که کیفر در ذات خود حاوی عناصر خشونت‌آمیز و آسیب‌زا است، توسل به آن مستلزم دلایلی محکم و قابل دفاع است.^۷ به‌جای توسل شتاب‌زده به سازوکارهای کیفری، می‌توان از پاسخ‌های غیرکیفری نظیر تدابیر بازپرورانه، جبرانی و ترمیمی یا حتی سازوکارهای آموزشی، اداری و اجتماعی بهره برد؛ چراکه این ابزارها، با هزینه‌های کمتر و کارکردهای مؤثرتر، می‌توانند در تحقق اهداف سیاست جنایی و کنترل بزه نقش‌آفرین باشند. بدین ترتیب، چنانچه استفاده از کیفر اجتناب‌ناپذیر گردد، اصل «آخرین راهکار» اقتضا دارد که خفیف‌ترین و حداقلی‌ترین کیفر از میان گزینه‌های کیفری برگزیده شود.^۸

اصل حداقلی بودن حقوق کیفری با تأکید بر آسیب‌های ناشی از گسترش بی‌رویه نهادها و ابزارهای کیفری، بر ضرورت محدودسازی حوزه دخالت کیفری تأکید دارد و در عین حال، به رسمیت شناختن نقش سایر ابزارها و سازوکارهای کنترل اجتماعی را نیز مدنظر قرار می‌دهد.^۹ این نگاه ریشه در آموزه‌های لیبرالیسم و اندیشه «دولت حداقلی» دارد؛ جایی که حقوق کیفری صرفاً هنگامی مجاز شمرده می‌شود که سایر راه‌حل‌ها، اعم از تدابیر مدنی و اداری، ناکارآمد یا غیرقابل اجرا باشند. بر این

^۳ رحیم نوبهار، «اصل کاربرد کمیته حقوق کیفری»، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری (۱۳۹۰): ۹۱.

^۴ محمدعلی حاجی ده‌آبادی و احسان سلیمی، «مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند»، نشریه پژوهش حقوق کیفری، ۲۹(۱۳۹۸): ۱۱۰.

^۵ سید حسن علوی، مبانی رویکرد جرم‌انگاری حداقلی در فقه جزایی با تأکید بر اصل کمیته بودن حقوق جزا، نشریه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، ۷۱(۱۴۰۳): ۷۱.

^۶ داگلاس هوساک، «جرم‌انگاری افراطی»، محمدتقی نوری (مترجم)، انتشارات مجد، چاپ اول (۱۳۹۰): ۱۵۲.

^۷ Duff, R.A., and Garland D. "Thinking about Punishment, In: A Reader on Punishment". Oxford university Press (1994):2.

^۸ محمدرضا الهی‌منش و محسن مرادی، همان: ۶۰-۶۱.

^۹ حسین غلامی، «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، نشر میزان، (۱۳۹۶): ۱۵.

اساس، مجازات باید در موقعیتی به کار گرفته شود که کلیه شیوه‌های جایگزین برای مواجهه با رفتارهای ناپه‌نجان، ناکام مانده باشند و گزینه‌ای جز آن باقی نمانده باشد.^{۱۰}

پایه‌ی اصلی این اصل بر اندیشه‌ی «تقلیل‌گرایی» استوار است. بر اساس اصل حداقل‌گرایی در حقوق کیفری یا همان اصل آخرین‌راهکار بودن مجازات، باید میان اقتدار حکومت و حقوق بنیادین شهروندان تعادلی برقرار گردد و دولت‌ها تنها در موارد ضروری از ابزار کیفری بهره‌گیرند. صرف برخورداری دولت از قدرت، مجوزی برای تحمیل الزامات و محدودیت‌های گسترده بر افراد جامعه نیست. بروز پدیده‌ی جرم در هر جامعه‌ای، معمولاً بازتابی از مشکلات و نابسامانی‌های درونی آن است؛ با این حال، مجازات مرتکبان، راه‌حل واقعی رفع این معضلات محسوب نمی‌شود. تأکید اصلی این اصل بر انتخاب دقیق و منطقی‌ترین شیوه‌ی مواجهه با رفتارهای مجرمانه است.^{۱۱}

تحلیل علمی این اصل اقتضا دارد که نخست به بررسی مفهومی آن پرداخته شود. اصطلاح «آخرین راه‌چاره» که ریشه در واژگان لاتین «ultimus» به معنای نهایی، دورترین و واپسین^{۱۲} و «ratio» به معنای عقلانیت و تدبیر و چاره‌دارد^{۱۳}، در معنای حربه‌ای ظاهر می‌شود که در مرتبه نهایی و به عنوان کارآمدترین ابزار برای نیل به اهداف، مورد استفاده قرار می‌گیرد. مراد از وصف «آخرین» نه تقدم و تأخر زمانی، بلکه تقدم در اهمیت و جایگاه راهبردی این ابزار در منظومه تدابیر حقوقی است.^{۱۴}

حداقل‌گرایی در حقوق کیفری ریشه در مکتب لیبرالیسم دارد. این مکتب با تأکید بر آزادی، فردگرایی و کرامت انسانی، بنیان‌های نوینی را در حقوق کیفری پی‌ریزی کرده است. در اندیشه لیبرالی، آزادی نه به معنای رهایی مطلق و بی‌قید و شرط، بلکه به عنوان ارزشی بنیادین و در عین حال محدود به اصل «عدم اضرار به غیر» فهم می‌شود. لیبرال‌ها اعتقاد به آزادی بی‌حد و اندازه و لگام‌گسیخته ندارند و میان «آزادی مطلق» و «ارزش مطلق بودن آزادی» تفاوت می‌گذارند.^{۱۵} بر همین اساس، دولت صرفاً در مواردی مجاز به تحدید آزادی‌های فردی است که رفتار اشخاص به حقوق و منافع دیگران آسیب رساند. در نتیجه، مداخله‌های کیفری که شدیدترین نوع تعرض به آزادی شهروندان است، باید به حداقل ممکن تقلیل یابد.

پیروان مکتب حداقلی‌سازی حقوق کیفری، بر این باورند که اصل باید بر پرهیز از اعمال مجازات باشد، مگر آنکه ضرورت قهری و غیرقابل اجتناب، توسل به کیفر را ایجاب نماید. ضرورتی که یا در حفظ خصیصه بازدارندگی عدالت کیفری یا در خنثی‌سازی تهدیدات مستمر و جدی علیه اجتماع متبلور می‌شود.^{۱۶} اتکای بی‌محابا به کیفر و توسعه بی‌رویه حقوق کیفری، نه تنها اقتدار عدالت کیفری را دستخوش زوال می‌کند، بلکه در دستیابی به مقاصد ارزش‌مدارانه قانون‌گذار نیز ره به ناکامی می‌برد. بدین رو، در فرآیند هنجارسازی اجتماعی، باید ابزارهای غیرکیفری را بر صدر نشانند و کیفر را به عنوان آخرین و اضطراری‌ترین تدبیر حفظ نمود؛ چرا که تحقق غایت اصلاح‌گری حقوق کیفری، در گرو بهره‌گیری حداقلی و ضرورت‌مدار از مجازات است.^{۱۷}

در نگاه برخی اندیشمندان، اصل آخرین راهکار نه متعلق به نظریه مجازات، بلکه بخشی لاینفک از نظریه جرم‌انگاری است. این تفکیک بدین معناست که تصمیم به اعمال مجازات علیه متهم، باید با لحاظ ویژگی‌های شخصی و اوضاع و احوال وی

^{۱۰} هادی رستمی. «حقوق کیفری و لیبرالیسم، بررسی کیفر در سنت فلسفی لیبرال»، نشر نگاه معاصر، (۱۳۹۹): ۲۴۴.

^{۱۱} زهرا سمیعی عارف. «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، (۱۳۹۰): ۹۵.

^{۱۲} Georges, K.E., "Lateinisch-Deutsches Wörterbuch". 4 ed, (1887):767.

^{۱۳} Ibid: 614

^{۱۴} Wendt, Rudolf, "The Principle of "Ultima Ratio" And/or the Principle of Proportionality", Oñati Socio-Legal Series, v. 3,n, (2013):84.

^{۱۵} اندرو هی‌وود. «درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی»، محمد رفیع مهرآبادی (مترجم)، انتشارات وزارت امور خارجه، (۱۳۷۹): ۶۹.

^{۱۶} Braithwaite, John, Pettit, Philip, "Not Just Deserts: A Republican Theory of Criminal Justice", oxford, Clarendon press (1990):125.

^{۱۷} احمد حاجی ده‌آبادی و احسان سلیمی. «اصول جرم‌انگاری در فضای سایبر با رویکردی انتقادی به قانون جرایم رایانه‌ای»، نشریه مجلس و راهبرد، ۸۰(۱۳۹۳): ۶۷.

صورت پذیرد. گاه هشدار ساده‌ای کارساز است و صرفاً در صورت بی‌اعتنایی متهم، ضرورت اعمال کیفر محقق می‌شود. این نگرش که مجازات را به آخرین چاره محدود می‌کند، خود زمینه‌ساز تقلیل تحمیل بی‌رویه مجازات‌ها خواهد بود.^{۱۸} اصل حداقلی بودن حقوق کیفری از مبانی اساسی «حق بر مجازات نشدن» به شمار می‌آید. مداخله‌ی کیفری تنها در صورتی توجیه‌پذیر است که وجود دلایل منطقی و موجه، ضرورت آن را اثبات کند. به بیان دیگر، در جوامعی که برای آزادی‌های فردی ارزش قائل‌اند، حقوق کیفری باید صرفاً به‌عنوان آخرین ابزار در جهت اعمال کنترل اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.^{۱۹} اعمال مجازات بر بزهکار، جز در فرض ضرورت، هیچ‌گاه توجیه‌پذیر نیست؛ بدین معنا فرد از حق ذاتی مبنی بر «مجازات نشدن» برخوردار است بنابراین، مشروعیت کیفر از سقوط این حق در نتیجه نقض هنجارهای بنیادین ناشی می‌شود.^{۲۰} هوساک خاطر نشان می‌سازد که مجازات، به ذات خود متضمن تعرض به «حق بر مجازات نشدن» و ناقض حقوق بنیادین شهروندان است و از این‌رو، توسل به آن باید مبتنی به مبنایی دقیق، عقلانی و حقوقی باشد. تنها در پرتو نظریه‌ای معقول و مقبول در باب جرم‌انگاری است که می‌توان توجیه نقض این حق را ارائه داد. این نظریه منطقی، چیزی جز پذیرش اصل آخرین راهکار - یا به تعبیر اشورث، اصل حداقل‌گرایی در جرم‌انگاری - نخواهد بود.^{۲۱} بر اساس اصل «آخرین راهکار»، توسل به ابزار جرم‌انگاری تنها زمانی موجه است که سایر راه‌حل‌ها و سازوکارهای جایگزین، کارایی خود را از دست داده باشند. این اصل بر آن است که دخالت کیفری باید در نهایت ضرورت و به‌عنوان آخرین مرحله در فرآیند مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی به کار رود. در واقع، حقوق کیفری به سبب محدودکننده بودن آن برای آزادی‌های فردی، واجد ماهیتی استثنایی و محدودشونده است. از آن‌جا که هرگونه جرم‌انگاری در عمل به معنای تحدید آزادی‌های شهروندان است، این مداخله باید تنها در شرایطی صورت پذیرد که توجیهی حقوقی، اخلاقی و اجتماعی برای آن وجود داشته باشد. از این‌رو، تعیین معیارهای روشن و ضوابط مشخص برای توجیه این نوع مداخله، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.^{۲۲} اصل آخرین راهکار منجر به جرم‌زدایی جرایم زیادی همچون جرایم اقتصادی خرد، جرایم راهنمایی و رانندگی، جرایم مربوط به مواد مخدر، جرایم بدون بزه‌دیده شده و در مقوله‌ی مجازات هم، مجازات‌های سبک را نسبت به مجازات‌های شدید اولویت می‌دهد. به‌طور خلاصه در سنت فلسفی لیبرالیسم، اصل حداقل بودن حقوق جزا، حداقل مداخله کیفری را چه از لحاظ کمیّت و چه کیفیت مورد تأکید قرار می‌دهد و استفاده از حقوق کیفری را تنها به عنوان آخرین راه می‌پسندد.^{۲۳}

۲-۱- پیشینه تاریخی اصل آخرین راهکار در حقوق کیفری

نظام عدالت کیفری، همچون آیین‌های تمام‌نما از سیر تطور تمدن انسانی، در گذر ایام، همواره در پرتو تحولات اجتماعی، سیاسی و صنعتی، صورت‌بندی‌های نوین یافته و در هیأت‌های متنوعی متجلی شده است. کیفر و نظام‌های آن، همزاد فرآیند تمدنی بشر بوده‌اند و تغییرات آنها تابعی از نیازهای متحول و ارزش‌های سیال جامعه انسانی محسوب می‌شود.^{۲۴} در تمامی ادوار تاریخ، گزینش واکنش مناسب در برابر بزه، از زمره‌ی دقیق‌ترین و حساس‌ترین مسائل در قلمرو جرم‌انگاری و سیاستگذاری کیفری به

۱۸ داگلاس هوساک. «حقوق کیفری به مثابه آخرین راه‌حل» در: «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، ترجمه مهرانگیز روستایی، نشر میزان، (۱۳۹۶): ۱۳۸.
۱۹ طاهر بخشی‌زاده، تهمورث بشیریه و حسین غلامی. «اصل حداقل بودن حقوق جزا در حقوق کیفری ایران؛ چالش‌ها و راهکارها»، نشریه آموزه‌های فقه و حقوق جزا، (۱۴۰۲): ۲۱.

۲۰ نک: Christopher Wellman (2017), Rights Forfeiture and Punishment, Oxford University Press, ch. 2.

۲۱ همان: ۱۳۹.

۲۲ نوبهار. «اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری»، نشر میزان (۱۳۹۶): ۴۱-۴۲.

۲۳ کاظم عسگری نسب. (۱۳۹۷)، «جایگاه اصل حداقلی بودن حقوق جزا در نظام سیاسی حقوقی مبتنی بر مبانی جمهوریت و اسلامیت»، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۲۷، (۱۳۹۷): ۱۶.

۲۴ هادی رستمی و فرهاد میرزائی. «تحول در نظام کیفردهی در پرتو فرآیند تمدن»، نشریه پژوهش حقوق کیفری، ۳۴ (۱۴۰۰): ۱۲۴.

شمار رفته است؛ فرآیندی که بر اصول و مبانی عمیق فلسفی و انسان‌شناختی استوار است. استخراج معیارهای دقیق کیفرگذاری، مستلزم وقوف بر تحولات نظری، مبانی عدالت، کرامت ذاتی انسان، هماهنگی با مقتضیات زمانه و انسجام با سایر قواعد حقوقی است.^{۲۵} اندیشه‌ی کمینه‌گرایی در حقوق کیفری، هرچند در دوران معاصر به عنوان میراث ماندگار سنت لیبرالیسم شناخته می‌شود، اما ریشه‌های خود را در اعماق اندیشه‌ی فلسفی قرون پیشین، به ویژه در آثار متفکران عصر روشنگری می‌یابد. در این میان، شارل دو منتسکیو در شاهکار خود روح القوانين، بنیاد این تفکر را بنا نهاد که قانونگذاران فرهیخته باید همت خویش را مصروف پیشگیری از جرم نمایند، نه در افزونی و شدت مجازات‌ها. آنان باید در تربیت اخلاقی مردم بکوشند، نه در تنبیه و تعزیر بی‌حد و حصر آنان. سنت لیبرالیسم، متأثر از این اندیشه‌ها، بر محوریت دولت حداقلی و تحدید نظام ضمانت اجراها تاکید نهاد و اصل آخرین راهکار را به عنوان یکی از ارکان بنیادین حقوق کیفری معاصر مستقر ساخت.^{۲۶}

در ساحت تاریخی، یکی از نخستین تجلیات نمادین این اصل را در عصر آرماند-ژان دو پلسیس، معروف به دوک ریشلیو، می‌توان جست. او در واپسین سال‌های جنگ‌های سی‌ساله، فرمان داد تا عبارت «Regum Ratio Ultima» - به معنای «استدلال نهایی شاه» - بر توپ‌های سلطنتی فرانسه حک گردد.^{۲۷} این عبارت، گرچه در ظاهر به معنای توسل به آخرین حربه پس از فرسودگی سایر گزینه‌هاست، اما در واقعیت تاریخی، نماد قاطعیت و عزم نهایی حاکم در فصل خصومت‌های سیاسی و نظامی بود. در سرزمین‌های آلمانی‌زبان نیز، از سال ۱۷۴۲ میلادی، بر توپ‌های برنزی فردریک کبیر در پروس، شعار «راه‌حل نهایی پادشاه» حک شد و بدین‌گونه، گلوله‌های توپ به عنوان نماد اراده‌ی نهایی سلطنت در عرصه نبردها رها می‌گردید.^{۲۸}

تحلیل کارکرد تاریخی این اصطلاح نشان می‌دهد که برخی ابزارها و واکنش‌ها، به سبب آثار ویرانگر و خسارت‌بارشان، باید صرفاً در مقام واپسین چاره، پس از فرسایش تمامی طرق ممکن، به کار بسته شوند؛ و چنین است قاعده در باب توسل به کیفر. در گذر زمان، این اندیشه قوام یافت که مجازات، به دلیل هزینه‌های سنگین اجتماعی و اقتصادی و به سبب لطمه‌ای که به آزادی‌ها و حقوق بنیادین انسان وارد می‌آورد، نباید جز در موارد ضرورت شدید و در مقام واپسین ابزار، مورد بهره‌برداری قرار گیرد. بدین ترتیب، اصل آخرین راهکار به‌مثابه‌ی نمادی از خردمندی حقوقی و احترام به کرامت انسانی در اندیشه‌ی جرم‌انگاری نهادینه شد و قانونگذاران را بر آن داشت که حتی‌الامکان، به جای توسعه بی‌رویه حقوق کیفری، به بهره‌گیری از تدابیر غیرکیفری در مواجهه با ناپه‌نجاری‌های اجتماعی روی آورند.

۲- پایبندی قضات به اصل آخرین راهکار در پرتو آمار

این فصل به تحلیل داده‌های گردآوری‌شده اختصاص دارد. پس از تعیین روش‌شناسی پژوهش و گردآوری اطلاعات مورد نیاز با بهره‌گیری از ابزارهای مناسب، اکنون گام بعدی دسته‌بندی، تحلیل و بررسی این داده‌ها با تکیه بر تکنیک‌های آماری متناسب با نوع پژوهش و ماهیت متغیرهاست. هدف اصلی در این مرحله، بررسی و آزمون فرضیه‌هایی است که مبنای تحقیق را تشکیل داده‌اند تا در نهایت، پاسخی علمی برای پرسش محوری تحقیق ارائه شود. در این مطالعه، از روش‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی جهت تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات پژوهش استفاده شده‌است. در بخش آمار توصیفی، داده‌ها با استفاده از جداول و شاخص‌هایی مانند میانگین و انحراف معیار، توصیف شده‌اند تا شناخت دقیق‌تری از ویژگی‌های نمونه حاصل شود. در بخش استنباطی نیز، آزمون نرمال بودن داده‌ها انجام و سپس با به‌کارگیری آزمون‌های پارامتریک مانند آزمون t تک‌نمونه‌ای و تحلیل واریانس تک‌عاملی، فرضیه‌های تحقیق مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

۲۵ غلامرضا پیوندی، «کیفرگذاری، مبانی، اصول، معیارهای و چالش‌ها»، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۴۰۰): ۸.

۲۶ هادی رستمی و مهری بزرگر، «کمینه‌گرایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹)»، نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری، (۱۴۰۱): ۷۸.

27 Prantl, H., "Krieg als letztes Mittel. In: K. Ambos, J. Arnold, eds. Der IrakKrieg und und das Völkerrecht", Berlin: Berliner, (2004):31.

28 Brockhaus, "Konversations Lexikon", 14 ed. Leipzig: Brockhaus, Vol. 16, (1908):53.

۱-۲- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱-۲-۱-۲- روایی

مفهوم روایی به توانایی یک ابزار در سنجش دقیق ویژگی مورد نظر اشاره دارد. به بیان دیگر، زمانی می‌توان یک ابزار را روا دانست که دقیقاً همان ویژگی یا متغیری را اندازه‌گیری کند که هدف پژوهش است، نه چیزی غیر از آن. یکی از جنبه‌های مهم روایی، روایی ظاهری است که بر منطقی بودن، جذابیت و تناسب ظاهری ابزار با موضوع تحقیق دلالت دارد و نقش مهمی در ایجاد انگیزه و تمایل پاسخ‌دهندگان برای مشارکت ایفا می‌کند. اهمیت روایی در این است که مانع از بروز خطاها و انحراف‌های جدی در فرایند سنجش می‌شود. در این پژوهش، برای اطمینان از روایی ابزار، پس از مطالعه اولیه در زمینه موضوع و مرور مطالعات پیشین، نسخه اولیه‌ای از پرسشنامه طراحی و تنظیم شد. سپس این پرسشنامه در اختیار صاحب‌نظران قرار گرفت و پس از دریافت و اعمال اصلاحات پیشنهادی، نسخه نهایی تهیه و در اختیار جامعه آماری (قضات) قرار گرفت.

۲-۱-۲- پایایی

پایایی ابزار پژوهش پایایی به میزان ثبات و دقت ابزار اندازه‌گیری در ارائه نتایج اشاره دارد. ابزاری دارای پایایی است که اگر در بازه‌های زمانی نزدیک، چندین بار بر یک گروه مشابه اعمال شود، نتایج مشابهی تولید کند. پایایی مقدمه‌ای ضروری برای روایی است؛ به طوری که اگر ابزار نتواند به‌طور پایدار اندازه‌گیری انجام دهد، نمی‌توان از آن انتظار سنجش صحیح داشت. به عبارت دیگر، آزمونی که در هر بار اجرا نتایج متفاوتی ارائه دهد، نه پایا است و نه می‌تواند روایی داشته باشد. به عنوان نمونه، اگر از یک آزمون ریاضی برای سنجش مفاهیم تاریخ استفاده شود، آزمون ممکن است در اندازه‌گیری محتوای ریاضی دقیق عمل کند، اما نسبت به هدف مورد نظر (یعنی سنجش تاریخ) روایی نخواهد داشت. بنابراین، هر ابزار سنجش پیش از آن که روا باشد، باید پایا باشد.

برای سنجش پایایی پرسشنامه طراحی شده در این پژوهش، از روش آماری ضریب آلفای کرونباخ^{۲۹} استفاده شده است. این شاخص، که نخستین بار توسط کرونباخ در سال ۱۹۵۱ معرفی شد، بر همسانی درونی آیتم‌های ابزار تمرکز دارد و میزان هماهنگی و انسجام درونی میان گویه‌های پرسشنامه را مشخص می‌سازد. در این روش، تمامی مؤلفه‌ها یا سوالات آزمون به‌عنوان شاخص‌های سنجش یک سازه مفهومی در نظر گرفته می‌شوند و پایایی کلی ابزار از طریق میانگین همبستگی میان آن‌ها محاسبه می‌شود.

در پژوهش حاضر، با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محقق‌ساخته، مقدار $0/81$ به دست آمد که نشانگر سطح قابل قبول و مطلوبی از پایایی است. همچنین، برای بررسی دقیق‌تر همسانی درونی، تأثیر حذف هر یک از سوالات بر میزان ضریب آلفا تحلیل شد. یافته‌ها نشان دادند که حذف هیچ‌کدام از گویه‌ها موجب افزایش این ضریب نگردید؛ به عبارت دیگر، حذف هیچ‌سوالی موجب بهبود اعتبار ابزار نشد. این امر نشان‌دهنده انسجام و سازگاری بالای گویه‌های پرسشنامه است. در نتیجه، می‌توان ادعا کرد که پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش از نظر پایایی، واجد اعتبار علمی کافی بوده و قابلیت اتکا برای گردآوری داده‌های پژوهش را داراست.

۲-۲- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌عنوان یکی از ارکان اساسی روش‌شناسی پژوهش، نقش تعیین‌کننده‌ای در دستیابی به نتایج علمی ایفا می‌کند. این مرحله، حلقه اتصال بین داده‌های خام گردآوری‌شده و تبیین‌های نظری محسوب می‌شود. در پژوهش

²⁹ Cronbach's alpha

حاضر، برای پردازش داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها، از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ و Microsoft Excel بهره گرفته شده است. به کمک این ابزارها، تحلیل‌های توصیفی و استنباطی متناسب با ماهیت داده‌ها و اهداف پژوهش صورت پذیرفته است.

۲-۳- جامعه آماری

جامعه آماری شامل کلیه افرادی است که دارای ویژگی یا ویژگی‌های مشترکی هستند و پژوهشگر قصد دارد یافته‌های حاصل از بررسی نمونه‌ای از آنان را به این گروه تعمیم دهد.^{۳۰} جامعه آماری مجموعه‌ای از عناصر یا افرادی است که پژوهشگر قصد دارد درباره آن‌ها به مطالعه بپردازد و نمونه تحقیق از آن انتخاب می‌شود تا معرف ویژگی‌های آن جامعه باشد.^{۳۱} در این تحقیق، جامعه آماری را قضات شاغل در شهرهای همدان و بهار تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار موجود، تعداد کل اعضای جامعه آماری برابر با ۵۰ نفر است.

۲-۴- روش نمونه‌گیری و برآورد حجم نمونه

روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه برای انتخاب نمونه‌ای نمایا و معتبر از جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با تخصیص متناسب استفاده شده است. به منظور تعیین حجم نمونه مورد نیاز، فرمول کوکران^{۳۲} به کار گرفته شد و پس از محاسبه حجم مطلوب، نمونه‌ها به صورت تصادفی از میان طبقات تعریف شده در جامعه آماری انتخاب شدند. این روش موجب اطمینان از توزیع متوازن و نمایندگی دقیق‌تر نمونه نسبت به جامعه اصلی گردید.

برآورد حجم نمونه: با توجه به مشخص بودن حجم جامعه آماری، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران بهره گرفته

$$n = \frac{Nz^2pq}{(N-1)e^2 + z^2pq}$$

شده است. این فرمول به شرح ذیل می‌باشد:

که در آن:

N : حجم جامعه آماری (تعداد کل قضات در شهرستان‌های همدان و بهار؛ حدود ۵۰ نفر).

n : حجم نمونه

p : نسبت در جامعه و $q = 1 - p$ ، e : حداکثر خطای برآورد نسبت جامعه می‌باشند.

چون اطلاع خاصی از مقدار p نداریم مقدار آن را برابر ۰/۵ فرض می‌کنیم که به این ترتیب ماکزیمم مقدار حجم نمونه حاصل می‌شود.

با وجه به مقادیر ضریب اطمینان یعنی $1 - \alpha = 0.90$ و $e = 0.10$ و $N = 50$

$$n = \frac{50 * 1.65^2 * 0.5 * 0.5}{(50 - 1) * 0.1^2 + 1.65^2 * 0.5 * 0.5} = 30$$

بنابراین با استفاده از فرمول کوکران و در سطح معناداری ۹۰ درصد و با حداکثر خطای برآورد ۱۰ درصد حجم نمونه لازم برابر ۳۰ نفر برآورد شده است.

^{۳۰} علی دلاور. «احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی»، انتشارات رشد (۱۳۸۰): ۴.

^{۳۱} باقر ساروخانی. «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی، جلد ۱»، (۱۳۹۲): ۱۵۸.

۲-۵- یافته‌های توصیفی

پیش از ورود به تحلیل‌های استنباطی، بررسی توصیفی داده‌ها ضرورت دارد؛ چرا که تحلیل توصیفی به شناسایی الگوهای اولیه و درک ماهیت متغیرها کمک کرده و زمینه تفسیر دقیق‌تر نتایج نهایی را فراهم می‌سازد.

۲-۵-۱- تحلیل توصیفی

در این بخش به منظور تحلیل توصیفی داده‌ها، از شاخص‌های آماری مرکزی و پراکندگی نظیر میانگین و انحراف معیار^{۳۳}، جداول توزیع فراوانی و همچنین نمودارهای آماری بهره گرفته شده‌است تا تصویری روشن از ویژگی‌های جمعیت آماری ارائه گردد.

۲-۵-۱-۱- توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه

در این بخش، ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهندگان از جمله سطح تحصیلات با استفاده از جدول فراوانی و نمودار مرتبط بررسی شده‌اند.

جدول زیر بیانگر توزیع فراوانی نمونه پژوهش برحسب سطح تحصیلات است:

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد نمونه بر اساس سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
کارشناسی	۱۳	۴۳/۳
کارشناسی ارشد	۷	۲۳/۳
دکتری	۱۰	۳۳/۴
جمع	۳۰	۱۰۰

همان‌گونه که از داده‌های جدول پیداست، بیشترین درصد پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کارشناسی بوده‌اند (۴۳/۳ درصد) و پایین‌ترین درصد نیز به دارندگان مدرک کارشناسی ارشد تعلق دارد (۲۳/۳ درصد).



نمودار ۱- توزیع فراوانی نمونه بر حسب تحصیلات

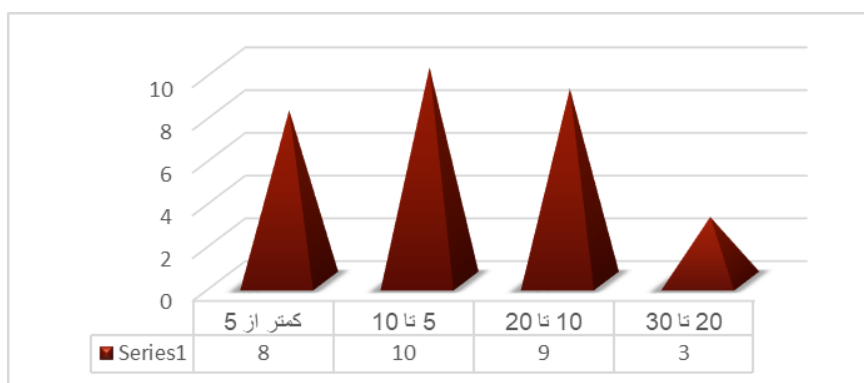
³³ standard deviation

وضعیت سابقه خدمت پاسخ دهندگان به پرسشنامه به شرح جدول و نمودار شماره (۲) است.

جدول ۲- توزیع فراوانی نمونه بر سابقه خدمت

سابقه خدمت	فراوانی	درصد فراوانی
کمتر از ۵ سال	۸	۲۶٫۷
۵ تا ۱۰ سال	۱۰	۳۳٫۳
۱۰ تا ۲۰ سال	۹	۳۰
۲۰ تا ۳۰ سال	۳	۱۰
جمع	۳۰	۱۰۰

همانطوری که مشاهده می‌شود، بیشترین درصد مربوط به قضاتی با سابقه خدمت بین ۵ تا ۱۰ سال (۳۳٫۳ درصد) و کمترین درصد مربوط به قضاتی با سابقه بین ۲۰ تا ۳۰ سال (۱۰ درصد) بوده است.



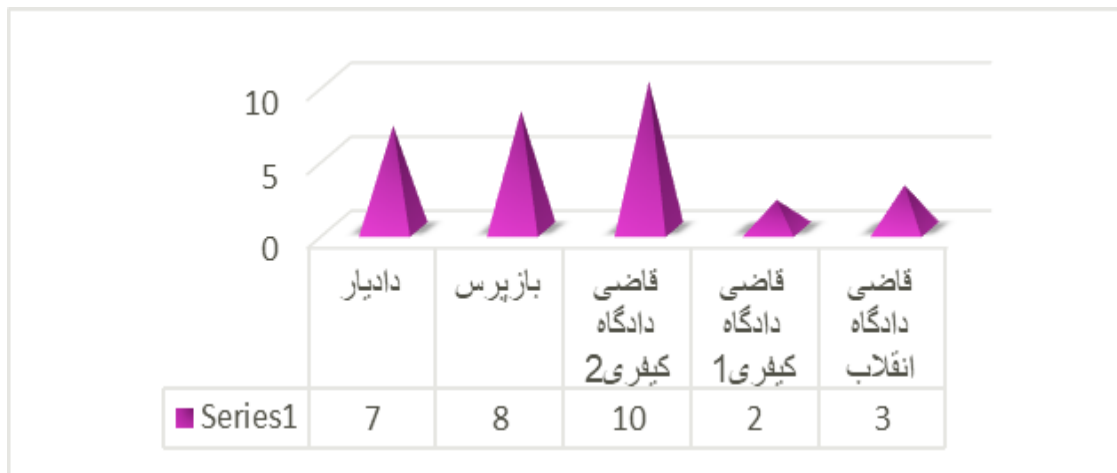
نمودار ۲- توزیع فراوانی نمونه بر اساس سابقه خدمت

خلاصه وضعیت سمت پاسخ دهندگان به پرسشنامه براساس جدول و نمودار (۳) است.

جدول ۳- توزیع فراوانی نمونه بر حسب سمت

سمت	فراوانی	درصد فراوانی
دادیار	۷	۲۳٫۳
بازپرس	۸	۲۶٫۷
قاضی دادگاه کیفری ۲	۱۰	۳۳٫۳
قاضی دادگاه کیفری ۱	۲	۶٫۷
قاضی دادگاه انقلاب	۳	۱۰
کل	۳۰	۱۰۰

بیشترین درصد مربوط به قضات دادگاه کیفری ۲ (۳۳٫۳ درصد) و کمترین آن مربوط به قضات دادگاه کیفری ۱ (۶٫۷ درصد) بوده است.



نمودار ۳- توزیع فراوانی نمونه بر حسب سمت

۲-۵-۱-۲- سولات پرسشنامه

۱- میزان تحصیلات شما در چه سطحی است؟ ۲- سابقه خدمت شما چه میزان است؟ ۳- در چه سمتی مشغول به خدمت می‌باشید؟ ۴- در مقابله با پدیده بزه‌کاری، مجازات باید آخرین راهکار باشد. ۵- نهاد قانون‌گذار در مقابله با رفتارهای ناپه‌نچار نباید ابتدا به سراغ جرم‌انگاری برود. ۶- نهاد های ارفاقی در مقابله به پدیده بزه‌کاری بسیار موفق عمل نمودند. ۷- نهاد های ارفاقی در اصلاح مرتکب جرم و پیشگیری از تکرار جرم عملکرد بسیار خوبی داشته‌اند؟ ۸- استفاده از جایگزین‌های حبس به جای کیفرگرایی، در مقابله با بزه‌کاری موثرتر است. ۹- کاربست نهادهای ارفاقی در خصوص بزهکاران اتفاقی موثرتر از کیفرگرایی است. ۱۰- اعمال نهادهای ارفاقی در مورد بزه‌کاران حرفه‌ای و بزه‌کاران یقه‌سفید چندان قابل قبول نیست. ۱۱- اهداف سیاست جنایی با توسل به نهادهای ارفاقی، در جرایم علیه اشخاص بهتر از کیفرگرایی تامین می‌گردد. ۱۲- امکان کاهش جرایم علیه اموال و مالکیت با استفاده از راهکارهای ارفاقی در مقایسه با مجازات کردن بیشتر است. ۱۳- در جرایم علیه امنیت، نهادهای ارفاقی تا حد زیادی می‌توانند کارآمد باشند. ۱۴- در جرایم علیه امنیت، رویکرد سخت‌گیرانه‌ای دارم. ۱۵- به نظر شما تا چه اندازه می‌توان از سایر طرق مقابله با بزه‌کاری از جمله ضمانت اجرای مدنی، اداری، انضباطی به‌جای مجازات بهره‌جست؟ ۱۶- تا چه اندازه تمایل به استفاده از راهکارهای عدالت ترمیمی از جمله تلاش برای برقراری صلح و سازش دارید؟ ۱۷- با ارجاع دعاوی کیفری به شورای حل اختلاف یا میانجی‌گری، کاهش و مهار پدیده جرم آسان‌تر مهیا می‌گردد. ۱۸- رویکرد معمول شما در برخورد با متهمین چگونه بوده‌است؟ ۱۹- در مورد جرایمی که قانونگذار به قاضی اختیار تعیین یک مجازات از بین چند مجازات را داده و در این میان برخی مجازات‌ها خفیفتر هستند (از جمله مجازات جرم محاربه)، تمایل استفاده از کدام نوع مجازات را دارید؟ ۲۰- سیاست جنایی ایران در قبال اصل آخرین راهکار منسجم و کارآمد است.

۳-۱-۵-۲- تحلیل توصیفی سئوالات تحقیق

در این بخش برای پاسخ سئوالات تحقیق در نمونه، جداولی رسم شده که در این جداول فراوانی، میانگین و انحراف معیار برای هر سؤال ثبت شده است.

جدول ۴- شاخص‌های توصیفی و توزیع فراوانی پاسخ سئوالات تحقیق

گزینه‌ها سئوالات	فراوانی پاسخها					فراوانی کل	میانگین مشاهده شده	مد مشاهده شده	انحراف معیار مشاهده شده
	کاملاً مخالفم (۱)	مخالفم (۲)	نظرمیانی (۳)	موافقم (۴)	کاملاً موافقم (۵)				
۴	۲	۰	۹	۵	۱۴	۳۰	۳٫۹۷	۵	۱٫۱۲
۵	۲	۰	۳	۱۱	۱۴	۳۰	۴٫۱۷	۵	۱٫۰۸
۶	۶	۱۱	۱۳	۰	۰	۳۰	۲٫۳۲	۳	۰٫۷۷
۷	۷	۶	۱۷	۰	۰	۳۰	۲٫۳۳	۳	۰٫۸۴
۸	۵	۳	۱۷	۵	۰	۳۰	۲٫۷۳	۳	۰٫۹۴
۹	۲	۰	۴	۲۲	۲	۳۰	۳٫۷۳	۴	۰٫۸۷
۱۰	۰	۰	۲	۱۰	۱۸	۳۰	۴٫۵۳	۵	۰٫۶۳
۱۱	۴	۷	۱۹	۰	۰	۳۰	۲٫۵۰	۳	۰٫۷۳
۱۲	۸	۷	۵	۱۰	۰	۳۰	۲٫۵۷	۴	۱٫۲۲
۱۳	۷	۱۱	۴	۸	۰	۳۰	۲٫۴۳	۲	۱٫۱۳
۱۴	۴	۱۱	۱۱	۲	۲	۳۰	۲٫۵۷	۴	۱٫۰۴
۱۵	۲	۰	۱۴	۹	۵	۳۰	۳٫۵۷	۳	۰٫۸۶
۱۶	۱	۰	۱۰	۱۲	۷	۳۰	۳٫۸	۴	۰٫۸۶
۱۷	۵	۴	۱۹	۲	۰	۳۰	۲٫۶۰	۳	۰٫۸۵
۱۸	۲	۰	۲۷	۱	۰	۳۰	۲٫۹۷	۳	۰٫۳۲
۱۹	۰	۵	۱۶	۵	۲	۳۰	۳٫۰۷	۳	۰٫۸۳
۲۰	۸	۵	۱۳	۴	۰	۳۰	۲٫۴۳	۳	۱٫۰۴
کل	۶۵	۱۰۶	۲۰۳	۷۰	۶۵	۵۱۰	۲٫۸۹	۳	۰٫۴۰
درصد	۱۲	۲۱	۴۰	۱۴	۱۳	۱۰۰			

جدول ارائه شده در این بخش، حاوی شاخص‌های توصیفی مرتبط با سؤالات ۳ تا ۲۰ پرسشنامه است که به‌عنوان سؤالات اصلی تحقیق تلقی می‌شوند. بررسی میانگین نمرات این سؤالات نشان می‌دهد که میانگین تجربی کل سؤالات برابر با ۲/۸۹ بوده است که این مقدار نسبت به میانگین نظری مقیاس (عدد ۳) پایین‌تر است. این مسئله حاکی از آن است که مشارکت‌کنندگان، به‌طور نسبی، کمتر تمایل به انتخاب گزینه‌های "موافقم" و "کاملاً موافقم" داشته‌اند. به‌عبارت دیگر، گزینه‌های مثبت پرسشنامه با انتخاب کمتری از سوی پاسخ‌دهندگان مواجه شده‌اند، در حالی که بیشترین فراوانی مربوط به گزینه میانه (نظر خاصی ندارم) با سهم ۴۰ درصد بوده و پس از آن گزینه "مخالقم" با فراوانی ۲۱ درصد در رتبه دوم قرار دارد. این الگو نشان‌دهنده نوعی احتیاط یا بی‌طرفی نسبی در مواجهه با مفاد سؤالات از سوی پاسخ‌دهندگان است.

۲-۶- تحلیل استنباطی

در بخش تحلیل استنباطی، به‌منظور بررسی فرضیه‌های پژوهش، از آزمون‌های آماری مناسب بهره‌گیری شده است. به‌طور مشخص، آزمون t تک‌نمونه‌ای^{۳۴} برای مقایسه میانگین مشاهده شده با میانگین نظری در هر یک از فرضیه‌ها مورد استفاده قرار گرفت. علاوه‌براین، برای تحلیل تفاوت‌های بین گروهی از آزمون تحلیل واریانس تک‌عاملی^{۳۵} و جهت رتبه‌بندی متغیرهای پژوهش بر اساس میزان اهمیت از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، از آزمون ناپارامتریک فریدمن استفاده شد.

۲-۶-۱- بررسی نرمال بودن توزیع نمونه‌های مورد مطالعه

نخست نرمال بودن توزیع داده‌های پژوهش بررسی گردید. بدین‌منظور از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^{۳۶} استفاده شده است که یکی از آزمون‌های رایج در سنجش نرمال بودن توزیع داده‌هاست.

۲-۶-۱-۱- آزمون کولموگروف اسمیرنوف:

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در این آزمون، فرض صفر (H_0) مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر مورد آزمون است و فرض مقابل (H_1) بیانگر غیرنرمال بودن آن است.

فرضیه‌های آزمون نرمال بودن نمونه‌های مورد مطالعه به‌صورت زیر است:

$$\begin{cases} H_0 & \text{نمونه دارای توزیع نرمال است} \\ H_1 & \text{نمونه دارای توزیع نرمال نیست} \end{cases}$$

تصمیم‌گیری: در صورتی که مقدار احتمال^{۳۷} کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر رد و نرمال نبودن داده‌ها پذیرفته می‌شود. در غیر این‌صورت، فرض صفر تأیید شده و داده‌ها نرمال تلقی می‌گردند.

جدول ۵- نتایج آزمون نرمال بودن متغیر اصلی پژوهش

متغیر	Sig	تصمیم‌گیری	نتیجه آزمون
میزان پابندی قضات به اصل آخرین راهکار	۰/۲	قبول فرض صفر	توزیع نرمال است

³⁴ one-sample T Test

³⁵ One-Way ANOVA (analysis of variance)

³⁶ Kolmogorov-Smirnov

³⁷ P-value (Sig)

بر اساس نتایج جدول بالا، چون مقدار سطح معناداری (Sig) برای متغیر موردنظر بیش از ۰/۰۵ به دست آمده، فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود.
 نکته مهم: در مواردی که توزیع داده‌ها نرمال باشد، استفاده از آزمون‌های آماری پارامتریک^{۳۸} مانند آزمون t و ANOVA مجاز است. در غیر این صورت، پژوهشگر ملزم به استفاده از آزمون‌های ناپارامتریک^{۳۹} خواهد بود.

۷-۲- آزمون فرضیه‌های تحقیق:

در این بخش به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است. با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای مورد نظر، از آزمون پارامتریک t تک‌نمونه‌ای برای آزمون فرضیه‌ها استفاده گردید. مبنای مقایسه، میانگین نظری برابر با عدد ۳ (میانگین نمرات گزینه‌های پرسشنامه) در نظر گرفته شد. در صورتی که میانگین مشاهده‌شده (عملی) به صورت معناداری بالاتر از عدد ۳ باشد، نشان‌دهنده غلبه پاسخ‌های «موافقم» و «کاملاً موافقم» بوده و در نتیجه فرضیه پژوهش تأیید می‌شود.

۷-۲-۱- فرضیه اول: میزان پابندی قضات به اصل آخرین راهکار بالاتر از حد نظری (میانگین ۳) است.

فرضیه‌های مربوط به مقایسه میانگین عملی و نظری را می‌توان به صورت زیر نوشت:
 H_0 : میانگین کوچکتر یا برابر عدد ۳ است. (میزان پابندی قضات به اصل آخرین راهکار کمتر از حد مورد انتظار است).
 H_1 : میانگین بزرگتر از عدد ۳ است. (میزان پابندی قضات به اصل آخرین راهکار بالاتر از حد مورد انتظار است).
 یا:

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

نتایج محاسبات به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول ۶- نتایج محاسبات آزمون فرضیه اول

متغیر	تعداد نمونه n	میانگین نمونه \bar{x}	انحراف معیار نمونه s	مقدار آماره آزمون t	Sig	نتیجه آزمون
پابندی به اصل آخرین راهکار	۳۰	۳/۱۳	۰/۴۲	۱/۶۹	۰/۱۰	رد فرض صفر

با توجه به مقادیر جدول فوق بخصوص مقادیر Sig که بزرگتر از ۰/۰۵ درصد است، فرض صفر در سطح معناداری ۵ درصد رد نمی‌شود. یعنی میانگین نمونه اختلاف معناداری با مقدار ۳ (میانگین نظری) ندارد. یعنی در سطح خطای ۵ درصد می‌توان پذیرفت که میزان پابندی قضات به اصل آخرین راهکار در حد متوسطی است. این امر نشان می‌دهد که گرچه آگاهی و التزام نسبی به این اصل در میان قضات وجود دارد، اما این پابندی به حدی نیست که بتوان آن را ضامن تحقق سیاست جنایی مبتنی بر حداقل‌گرایی کیفی دانست. متوسط بودن میزان پابندی قضات حاکی از آن است که در عمل، برخی از آنان هنوز تمایل دارند در مواجهه با جرایم، رویکردی مبتنی بر کیفرگرایی اتخاذ کنند. این وضعیت می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی باشد، از جمله ضعف آموزش‌های نظری و کاربردی در زمینه عدالت ترمیمی و رویکردهای نوین جرم‌شناختی؛ فشار افکار عمومی و توقع جامعه نسبت به برخورد شدید با مرتکبان؛ وجود قوانین پراکنده و بعضاً متناقض که راه را برای تفسیر محدود اصل آخرین راهکار هموار

³⁸ parametric test

³⁹ non parametric test

می‌کند. در نتیجه، می‌توان گفت که هرچند اصل آخرین راهکار در گفتمان حقوقی و قضایی ایران جایگاهی یافته است، اما هنوز تا تحقق عملی و پایدار آن فاصله وجود دارد.

۲-۷-۲- فرضیه دوم: بین پابندی به اصل آخرین راهکار در میان دادیارها، بازپرس‌ها، قضات کیفری ۲، قضات کیفری ۱ و قضات دادگاه انقلاب تفاوت وجود دارد.

در این بخش، به بررسی تفاوت میانگین میزان پابندی به اصل «آخرین راهکار» در میان گروه‌های مختلف قضایی شامل دادیارها، بازپرس‌ها، قضات دادگاه کیفری سطح ۲، قضات کیفری سطح ۱ و قضات دادگاه انقلاب پرداخته شده است. با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، برای آزمون فرضیه از تحلیل واریانس تک‌عاملی استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول زیر ثبت شده است.

فرضیه‌های مربوط به مقایسه میانگین‌ها را می‌توان به صورت زیر نوشت:

H_0 : میانگین میزان پابندی این پنج گروه یکسان است.

H_1 : حداقل بین میانگین دو گروه از پنج گروه اختلاف وجود دارد.

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 = \dots = \mu_5 \\ H_1: \mu_i \neq \mu_j \quad i \neq j \end{cases}$$

یا:

که در آن μ_i میانگین میزان پابندی به اصل آخرین راهکار در گروه i - ام است.

نتایج محاسبات به شرح جدول ذیل می‌باشد:

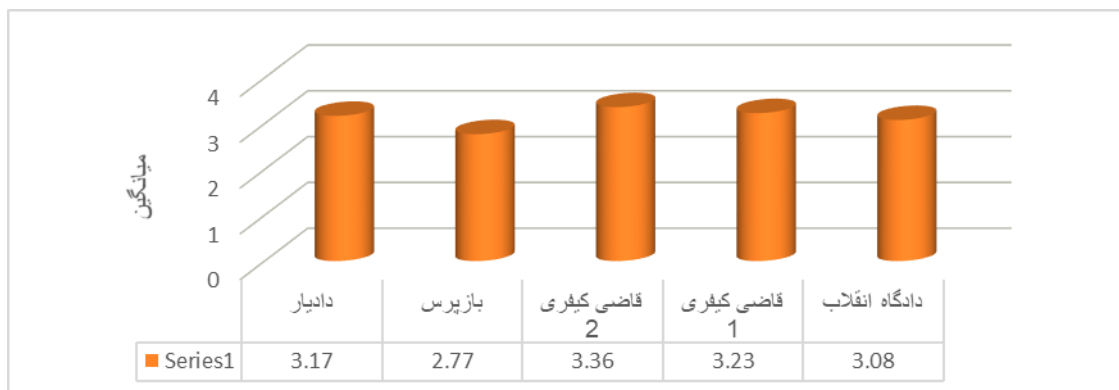
جدول ۷- نتایج آنالیز واریانس تک‌عاملی برای مقایسه میانگین میزان پابندی قضات به اصل آخرین راهکار

متغیر	سمت	تعداد	میانگین	مقدار F	Sig	نتیجه آزمون
پابندی به اصل آخرین راهکار	دادیار	۶	۳/۱۷	۳/۱۴	۰/۰۳	اختلاف معنادار است
	بازپرس	۸	۲/۷۷			
	قاضی دادگاه کیفری ۲	۱۱	۳/۳۶			
	قاضی دادگاه کیفری ۱	۲	۳/۲۳			
	قاضی دادگاه انقلاب	۳	۳/۰۸			

مطابق جدول فوق، مقدار سطح معناداری (Sig = 0.03) کمتر از ۰/۰۵ است که نشان‌دهنده وجود تفاوت معنادار آماری بین میانگین حداقل دو گروه از میان پنج گروه مورد بررسی می‌باشد. به عبارت دیگر، در سطح اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که پابندی به اصل «آخرین راهکار» در برخی سمت‌های قضایی تفاوت معناداری دارد. در ادامه برای مشخص نمودن محل دقیق تفاوت، از آزمون تعقیبی^{۴۰} LSD استفاده گردید. نتایج این آزمون نشان داد که تنها بین قضات دادگاه کیفری سطح ۲ و بازپرس‌ها، اختلاف معنادار در میزان پابندی به اصل مورد نظر وجود دارد. این نتیجه بیانگر آن است که میزان پابندی به اصل «آخرین راهکار» در میان قضات کیفری ۲ به‌طور معناداری بیشتر از بازپرس‌ها ارزیابی شده است. این تفاوت را می‌توان ناشی از ماهیت و گستره وظایف این دو گروه دانست. وظیفه اصلی بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی، کشف جرم، جمع‌آوری دلایل است؛ بنابراین، اتخاذ رویکردی سخت‌گیرانه‌تر برای حفظ نظم دادرسی و پیشگیری از تضییع حقوق شاکی در عمل بیشتر مشاهده می‌شود. در مقابل، قضات دادگاه کیفری دو در مقام رسیدگی و صدور حکم، با ضرورت ایجاد تعادل میان حفظ نظم اجتماعی و رعایت حقوق متهم مواجه هستند. از این رو، گرایش به بهره‌گیری از اصل آخرین راهکار در میان آنان بیشتر است. به

⁴⁰ Least significant difference

بیان دیگر، اختلاف معنادار میان این دو گروه نشان‌دهنده تأثیر مستقیم حیطه وظایف قضایی و مرحله‌ای از فرآیند دادرسی بر میزان پایبندی به اصل «آخرین راهکار» است.



نمودار (۴): مقایسه‌ی پایبندی قضات به اصل آخرین راهکار

۲-۷-۳- فرضیه سوم: میزان پایبندی قضات به اصل آخرین راهکار بر اساس سطح تحصیلات متفاوت است.

در این فرضیه، میزان پایبندی قضات به اصل «آخرین راهکار» بر اساس سطح تحصیلات آنان مورد بررسی قرار گرفته است. به‌منظور تحلیل تفاوت میانگین‌ها در سطوح مختلف تحصیلی، با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون پارامتری تحلیل واریانس تک‌عاملی استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول زیر ثبت شده است. فرضیه‌های مربوط به مقایسه میانگین‌ها را می‌توان به صورت زیر نوشت:

H_0 : میانگین میزان پایبندی قضات به اصل آخرین راهکار در سطوح مختلف تحصیلات یکسان است.

H_1 : میانگین میزان پایبندی قضات به اصل آخرین راهکار در سطوح مختلف تحصیلات یکسان نیست.

یا:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3 \\ H_1: \mu_i \neq \mu_j \quad i \neq j \end{cases}$$

که در آن μ_i میانگین میزان پایبندی به اصل آخرین راهکار در گروه i - ام سطح تحصیلات است.

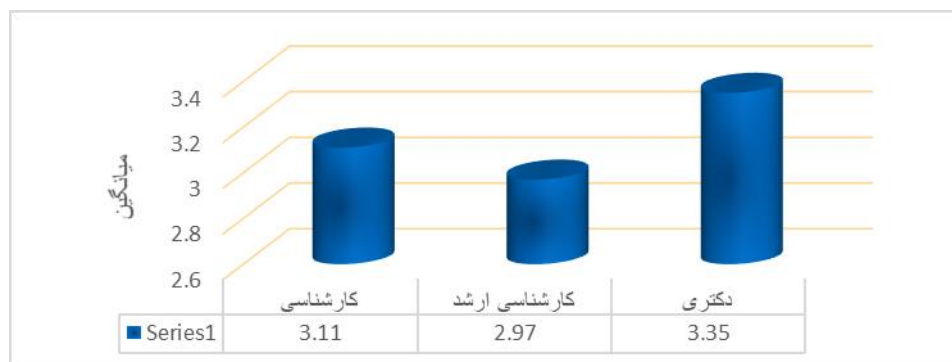
نتایج محاسبات در جدول زیر ثبت شده است:

جدول ۸- نتایج آنالیز واریانس تک‌عاملی مقایسه میزان پایبندی قضات به اصل آخرین راهکار بر اساس سطح تحصیلات

متغیر	سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	مقدار F	Sig	نتیجه آزمون
پایبندی به اصل آخرین راهکار	کارشناسی	۱۳	۲/۹۷	۶/۹	۰/۰۹	اختلاف معنادار نیست
	کارشناسی ارشد	۷	۳/۱۱			
	دکتری	۱۰	۳/۳۵			

با توجه به مقدار Sig کمتر از ۰/۰۵، آزمون نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین گروه‌های تحصیلی مختلف از نظر میزان پایبندی به اصل «آخرین راهکار» وجود دارد. این بدان معناست که میزان پایبندی قضات به این

اصل، با سطح تحصیلات آنان مرتبط است. با این حال، توجه به این نکته ضروری است که در سطح خطای ۱۰ درصد اختلاف معنادار است.



نمودار (۵): تاثیر تحصیلات بر پایداری به اصل آخرین راهکار

نتایج آزمون تعقیبی LSD برای مقایسه زوجی گروه‌های تحصیلی:

بین قضات دارای مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد: تفاوت معناداری مشاهده نشد.

بین قضات دارای مدرک کارشناسی و دکتری: تفاوت معنادار آماری وجود دارد.

بین قضات دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری: تفاوت معنادار گزارش شده است.

بنابراین، یافته‌ها نشان می‌دهد که قضات دارای مدرک دکتری از سطح پایداری بیشتری به اصل «آخرین راهکار» نسبت به دیگر گروه‌های تحصیلی برخوردارند.

سطح تحصیلات بالاتر احتمال دارد که با درک عمیق‌تر از فلسفه‌ی حقوق کیفری و تسلط بر مباحث نظری مرتبط با اصل آخرین راهکار همراه باشد. این امر می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات قضایی با تأمل بیشتر شود، چرا که قضات با تحصیلات بالاتر تمایل دارند پیش از مداخله کیفری، مسیرهای جایگزین حل و فصل اختلافات را ارزیابی کنند. از منظر تحلیل حقوقی، این یافته نشان می‌دهد که آموزش و سطح علمی قضات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رعایت اصول حداقل‌گرایی کیفری و پیاده‌سازی موثر اصل آخرین راهکار داشته باشد. همچنین، این رابطه نشان می‌دهد که بهبود آموزش‌های تخصصی و ارتقای سطح علمی می‌تواند به افزایش کارآمدی و انسجام تصمیمات قضایی در جهت کاهش مداخله زودهنگام کیفری کمک کند.

۲-۷-۴- فرضیه چهارم: میزان پایداری قضات به اصل آخرین راهکار بر اساس سابقه خدمت آن‌ها متفاوت است.

در این بخش از پژوهش، ارتباط میان سابقه خدمت قضات و میزان پایداری آنان به اصل «آخرین راهکار» مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، از آزمون تحلیل واریانس تک‌عاملی جهت مقایسه میانگین گروه‌های مختلف از نظر سابقه کاری استفاده شده است.

فرضیه‌های مربوط به مقایسه میانگین‌ها را می‌توان به صورت زیر نوشت:

H_0 : میانگین میزان پایداری قضات به اصل آخرین راهکار در رده‌های مختلف سابقه کاری یکسان است.

H_1 : میانگین میزان پایداری قضات به اصل آخرین راهکار در رده‌های مختلف سابقه کاری یکسان نیست.

یا:

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 = \mu_3 = \mu_4 \\ H_1: \mu_i \neq \mu_j \quad i \neq j \end{cases}$$

حداقل برای یک $i \neq j$

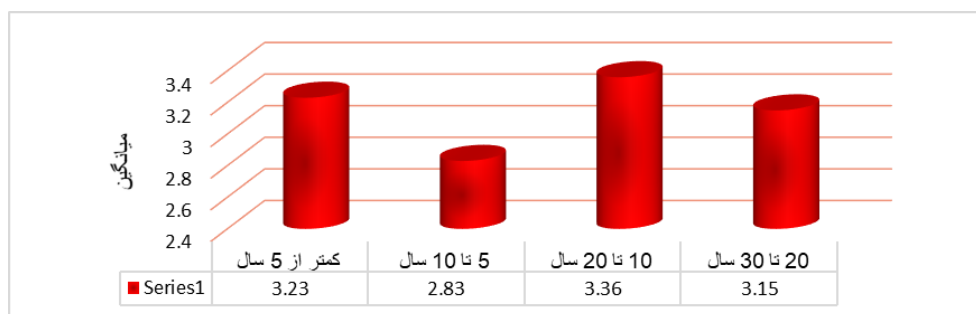
که در آن μ_i میانگین میزان پایبندی به اصل آخرین راهکار در رده i - ام سابقه خدمت است.

نتایج محاسبات به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول ۹- نتایج آنالیز واریانس تک عاملی برای مقایسه میانگین میزان پایبندی قضات به اصل آخرین راهکار بر حسب سابقه خدمت قضات

متغیر	سابقه خدمت	تعداد	میانگین	مقدار F	Sig	نتیجه آزمون
پایبندی به اصل آخرین راهکار	کمتر از ۵ سال	۸	۳٫۲۳	۳٫۵	۰٫۰۲	اختلاف معنادار است
	۵ تا ۱۰ سال	۱۰	۲٫۸۳			
	۱۰ تا ۲۰ سال	۹	۳٫۳۶			
	۲۰ تا ۳۰ سال	۳	۳٫۱۵			

همان‌طور که از جدول فوق برمی‌آید، مقدار سطح معناداری (Sig) کمتر از ۰٫۰۵ بوده و نشان‌دهنده آن است که تفاوت آماری معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد میان گروه‌های مختلف از نظر سابقه خدمت وجود دارد. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین میزان پایبندی به اصل «آخرین راهکار» با میزان سابقه خدمت قضات رابطه دارد. به بیان دیگر، تجربه‌ی شغلی در قوه قضاییه بر نحوه التزام قضات به این اصل تأثیرگذار است و میزان این پایبندی در میان رده‌های مختلف سابقه، یکسان نیست. تفاوت مشاهده‌شده میان رده‌های مختلف سابقه خدمت، احتمالاً ناشی از مواجهه قضات با طیف متنوعی از پرونده‌ها و پیامدهای عملی تصمیمات کیفری است. قضاتی که سابقه طولانی‌تر دارند، تجربه بیشتری در تشخیص مواردی که مداخله کیفری ضروری است یا بالعکس، کمتر لازم است، کسب کرده‌اند و این می‌تواند موجب افزایش حساسیت و دقت آنان در اجرای اصل آخرین راهکار شود. نکته جالب این است که پایبندی گروه‌های با سابقه بسیار کم یا میانی بالاتر از گروه با سابقه ۵ تا ۱۰ سال است، که می‌تواند نشان‌دهنده نقش عوامل محیطی، آموزش‌های ضمن خدمت یا فرهنگ قضایی در شکل‌دهی به نگرش‌ها باشد.



نمودار (۶): تأثیر سابقه خدمت بر پایبندی به اصل آخرین راهکار

۲-۷-۵- فرضیه پنجم: رویکرد معمول قضات در مواجهه با متهمان عادلانه است (در حد میانی؛ نه سخت‌گیرانه و نه سهل‌گیرانه).

فرضیه‌های مربوط به مقایسه میانگین عملی و نظری را می‌توان به صورت زیر نوشت:

H_0 : میانگین کوچک‌تر یا برابر عدد ۳ است. (رویکرد معمول قضات در برابر متهمین عادلانه است.)

H_1 : میانگین بزرگ‌تر از عدد ۳ است (رویکرد معمول قضات در برابر متهمین عادلانه نیست بعضاً خفیف و بعضاً سهل‌گیرانه است.)

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

یا :

جدول ۱۰- نتایج محاسبات آزمون فرضیه پنجم

متغیر	تعداد نمونه n	میانگین نمونه \bar{x}	انحراف معیار نمونه s	مقدار آماره آزمون t	Sig	نتیجه آزمون
رویکرد معمول قضات در برابر متهمین	۳۰	۲٫۹۸	۰٫۴۲	۰٫۲۱	۰٫۸۳	قبول فرض صفر

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول فوق، به ویژه مقدار سطح معناداری (Sig) که بیش از ۰٫۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد نمی شود. این بدان معناست که میانگین مشاهده شده تفاوت معناداری با میانگین نظری (عدد ۳) ندارد. در نتیجه، می توان پذیرفت که رویکرد معمول قضات در مواجهه با متهمان در سطحی میانه قرار دارد؛ نه به طور خاص سخت گیرانه و نه کاملاً تساهل آمیز. رویکرد میانه قضات در مواجهه با متهمان نشان دهنده یک تعادل منطقی میان نیاز به حفظ نظم و امنیت اجتماعی و ضرورت رعایت حقوق فردی متهم است. این وضعیت ممکن است منعکس کننده تلاش قضات برای اعمال اصل «آخرین راهکار» باشد؛ به گونه ای که مداخله کیفری تنها زمانی صورت گیرد که سایر راهکارهای جایگزین ناکام مانده باشند. به عبارت دیگر، این رفتار قضات بیانگر گرایش به عدالت تعدیلی و اتخاذ تصمیمات متناسب با شدت و نوع جرم، شرایط متهم و آثار احتمالی مجازات است. چنین رویکردی همسو با فلسفه حداقل مداخله در حقوق کیفری است و نشان می دهد که قضات به دنبال جلوگیری از اعمال مجازات غیر ضروری و جلوگیری از آسیب های اجتماعی ناشی از کیفرزدگی افراطی هستند.

شایان ذکر است که در فرآیند گردآوری داده ها و هنگام حضور در محاکم برای توزیع پرسشنامه ها، بسیاری از قضات تصریح داشتند که پاسخ به این پرسش که رویکرد کلی آنان نسبت به متهمان چگونه است، قابل تقلیل به یک گزینه مشخص نیست. آنان تأکید می کردند که برخوردشان با هر متهم، متأثر از شرایط خاص پرونده، نوع جرم ارتكابی و ویژگی های شخصیتی متهم است. این امر نشانگر آن است که رویکرد قضات به طور فزاینده ای منعطف و موردی شده و تصمیم گیری آنان بر مبنای اصول فایده گرایانه صورت می گیرد، به گونه ای که مصالح و پیامدهای ناشی از حکم نیز در نظر گرفته می شود.

۲-۷-۶- فرضیه ششم: رویکرد قضات در مواجهه با جرایم علیه امنیت سخت گیرانه است.

فرضیه های مربوط به مقایسه میانگین عملی و نظری را می توان به صورت زیر نوشت:

H_0 : میانگین کوچک تر یا برابر عدد ۳ است (رویکرد قضات در برابر جرایم علیه امنیت سخت گیرانه نیست)

H_1 : میانگین بزرگتر از عدد ۳ است (رویکرد قضات در برابر جرایم علیه امنیت سخت گیرانه است)

یا :

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

نتایج محاسبات به شرح جدول ذیل می باشد:
جدول ۱۱- نتایج محاسبات آزمون فرضیه ششم

متغیر	تعداد نمونه n	میانگین نمونه \bar{x}	انحراف معیار نمونه s	مقدار آماره آزمون t	Sig	نتیجه آزمون
رویکرد معمول قضات در برابر متهمین	۳۰	۳٫۴۳	۱٫۰۴	۲٫۲۸	۰٫۰۳	رد فرض صفر

با توجه به مقادیر ارائه شده در جدول فوق، به ویژه مقدار سطح معناداری (Sig) که کمتر از ۰٫۰۵ است، فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود. این نتیجه نشان می دهد که میانگین مشاهده شده به طور معناداری از مقدار نظری (عدد ۳) بزرگتر است. بنابراین، می توان با اطمینان آماری اظهار داشت که رویکرد قضات در مواجهه با جرایم علیه امنیت، سخت گیرانه تر از حد میانه است. این یافته حاکی از آن است که قضات در مواجهه با این دسته از جرایم، که عموماً با نظم عمومی، ثبات اجتماعی و امنیت ملی مرتبط اند، سیاست کیفری شدیدتری اتخاذ می کنند و تمایل بیشتری به اعمال مجازات های قاطع دارند. سخت گیری بیش از حد قضات در مواجهه با جرایم علیه امنیت، اگرچه می تواند با منافع عمومی و حفظ نظم اجتماعی توجیه شود، اما حاکی از نوعی گرایش قضایی به اقدامات کیفری بیشه گرا است که ممکن است با اصل «آخرین راهکار» در تعارض باشد. این رفتار نشان می دهد که در عمل، مداخله کیفری حتی در شرایطی که ابزارهای جایگزین و اقدامات پیشگیرانه مدنی یا اداری می توانستند پاسخگو باشند، پیش از موعد و به شکلی قاطع اعمال می شود. چنین رویکردی می تواند آثار منفی بسیاری ایجاد کند. این یافته نشان می دهد که سیاست کیفری در این حوزه هنوز با رویکرد حداقل گرایی و مداخله «آخرین راهکار» فاصله دارد و نیازمند بازنگری است.

۲-۷-۷- فرضیه هفتم: تجربه قضات نسبت به عملکرد نهادهای ارفاقی در اصلاح مجرم و پیش گیری از تکرار جرم، مثبت بوده است.

فرضیه های مربوط به مقایسه میانگین عملی و نظری را می توان به صورت زیر نوشت:

H_0 : میانگین بزرگتر یا برابر عدد ۳ است (تجربه قضات در مورد عملکرد موفقیت آمیز نهادهای ارفاقی در اصلاح مرتکب و پیش گیری از تکرار جرم خوب بوده است).

H_1 : میانگین کوچکتر از عدد ۳ است (تجربه قضات در مورد عملکرد موفقیت آمیز نهادهای ارفاقی در اصلاح مرتکب و پیش گیری از تکرار جرم خوب نبوده است).

یا:

$$\begin{cases} H_0: \mu \geq 3 \\ H_1: \mu < 3 \end{cases}$$

نتایج محاسبات به شرح جدول ذیل می باشد:
جدول ۱۲- نتایج محاسبات آزمون فرضیه هفتم

متغیر	تعداد نمونه n	میانگین نمونه \bar{x}	انحراف معیار نمونه s	مقدار آماره آزمون t	Sig	نتیجه آزمون
تجربه قضات	۳۰	۲٫۲۸	۰٫۷۳	۵٫۳۹	۰٫۰۰۰	رد فرض صفر

با توجه به مقادیر ارائه شده در جدول فوق، به ویژه سطح معناداری (Sig) که کمتر از ۰٫۰۵ است، می توان نتیجه گرفت که فرض صفر در سطح معناداری ۵ درصد رد می شود. این بدان معناست که میانگین مشاهده شده (۲٫۲۸) به طور معناداری کمتر از میانگین نظری (عدد ۳) است. بنابراین، با اطمینان آماری می توان اظهار داشت که قضات تجربه مثبتی نسبت به عملکرد موفقیت آمیز نهادهای ارفاقی در اصلاح مرتکب و پیش گیری از تکرار جرم نداشته اند. این نتیجه نشان می دهد که از دیدگاه اکثریت پاسخ دهندگان، کارکردهای بازدارنده و اصلاحی این نهادها کمتر از سطح انتظار بوده و در عمل، اثربخشی لازم را در بازسازی اجتماعی و جلوگیری از ارتکاب مجدد جرم نداشته اند. عدم تحقق اهداف اصلاحی و بازدارنده می تواند ناشی از طراحی ناقص این نهادها، فقدان سازوکارهای ارزیابی عملکرد، یا کمبود هماهنگی بین نهادهای مجری باشد. این وضعیت حاکی از آن است که صرف وجود نهاد ارفاقی بدون بازنگری در کارکرد و رویه های اجرایی، نمی تواند به کاهش مجازات های کیفری یا ارتقای عدالت ترمیمی منجر شود و نیازمند بازاندیشی راهبردی و سیاست گذاری منسجم است.

۲-۷-۸- فرضیه هشتم: تمایل قضات به استفاده از راهکارهای عدالت ترمیمی در جهت برقراری صلح و سازش در حد مطلوبی است.

فرضیه های مربوط به مقایسه میانگین عملی و نظری را می توان به صورت زیر نوشت:

H_0 : میانگین کوچک تر یا برابر عدد ۳ است (تمایل قضات به کار بست راهکارهای عدالت ترمیمی در جهت برقراری صلح و سازش در حد مطلوبی نیست).

H_1 : میانگین بزرگ تر از عدد ۳ است. (تمایل قضات به کار بست راهکارهای عدالت ترمیمی در جهت برقراری صلح و سازش در حد مطلوبی است).

یا:

$$\begin{cases} H_0: \mu = 3 \\ H_1: \mu > 3 \end{cases}$$

نتایج محاسبات به شرح جدول ذیل می باشد:
جدول ۱۳- نتایج محاسبات آزمون فرضیه هشتم

متغیر	تعداد نمونه n	میانگین نمونه \bar{x}	انحراف معیار نمونه s	مقدار آماره آزمون t	Sig	نتیجه آزمون
تمایل قضات به کار بست راهکارهای عدالت ترمیمی	۳۰	۳٫۹۰	۰٫۹۲	۴٫۷۴	۰٫۰۰۰	رد فرض صفر

با توجه به داده‌های جدول و به‌ویژه سطح معناداری (Sig) که کمتر از ۰/۰۵ گزارش شده، می‌توان نتیجه گرفت که فرض صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. بدین معنا که میانگین مشاهده‌شده به‌طور معناداری بیشتر از مقدار نظری ۳ است. از این‌رو، نتیجه‌گیری می‌شود که قضات تمایل بالایی به بهره‌گیری از رویکردهای عدالت ترمیمی با هدف تحقق صلح و سازش میان طرفین دعوا دارند و این نگرش در سطح مطلوبی ارزیابی می‌شود. با این حال، ارزیابی مطلوب بودن این تمایل، نباید جایگزین بررسی عملی و مستند تأثیر این رویکردها بر کاهش تعارضات و بازسازی اجتماعی شود. برای تضمین تحقق واقعی عدالت ترمیمی، ضروری است که علاوه بر تمایل قضات، سازوکارهای قانونی، نظارت بر اجرای سازش‌ها و ارزیابی مستمر اثربخشی این اقدامات به‌طور سیستماتیک مورد توجه قرار گیرد.

۲-۷-۹- فرضیه نهم: سیاست جنایی ایران در قبال اصل آخرین راهکار منسجم و کارآمد است.

فرضیه‌هایی مربوط به مقایسه میانگین عملی و نظری را می‌توان به‌صورت زیر نوشت:

H_0 : میانگین بزرگتر یا برابر عدد ۳ است (سیاست جنایی ایران در قبال اصل آخرین راهکار منسجم و کارآمد است).

H_1 : میانگین کوچکتر از عدد ۳ است (سیاست جنایی ایران در قبال اصل آخرین راهکار منسجم و کارآمد نیست).

یا:

$$\begin{cases} H_0: \mu \geq 3 \\ H_1: \mu < 3 \end{cases}$$

نتایج محاسبات به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول ۱۵- نتایج محاسبات آزمون فرضیه نهم

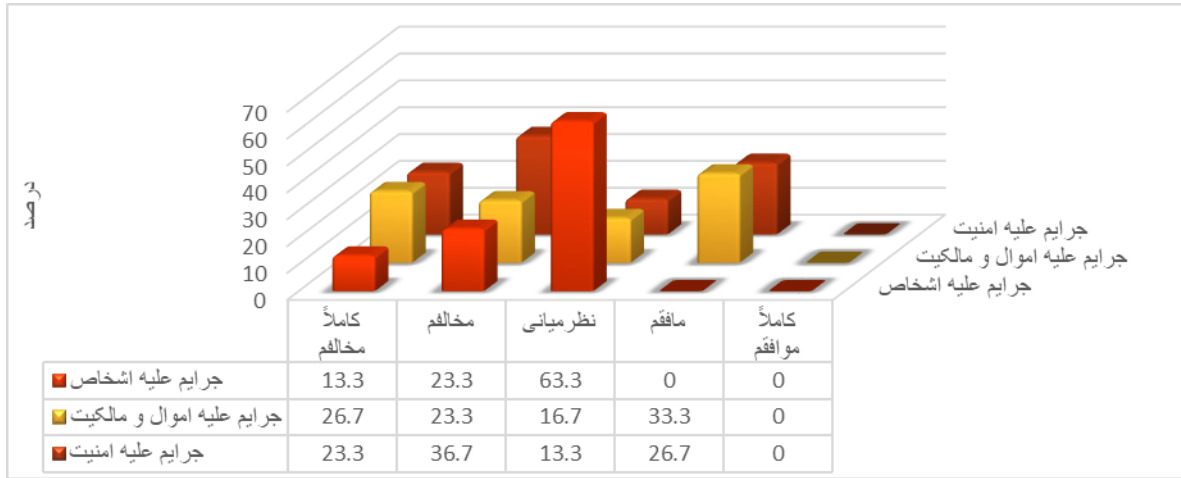
متغیر	تعداد نمونه n	میانگین نمونه \bar{x}	انحراف معیار نمونه s	مقدار آماره آزمون t	Sig	نتیجه آزمون
انسجام سیاست جنایی ایران در قبال اصل آخرین راهکار	۳۰	۲٫۶۰	۰٫۸۵	۲٫۵۶	۰٫۰۲	رد فرض صفر

با عنایت به مقادیر جدول و به‌ویژه سطح معناداری پایین‌تر از آستانه ۰/۰۵، فرضیه صفر در سطح خطای ۵ درصد رد می‌شود. این امر نشان می‌دهد که میانگین مشاهده‌شده به‌طور معناداری کمتر از عدد ۳ (میانگین نظری) است. در نتیجه، می‌توان چنین استنباط کرد که از نظر قضات، سیاست جنایی ایران در زمینه اجرای اصل «آخرین راهکار» از انسجام و اثربخشی کافی برخوردار نیست و اجرای آن در عمل با چالش‌های جدی مواجه است.

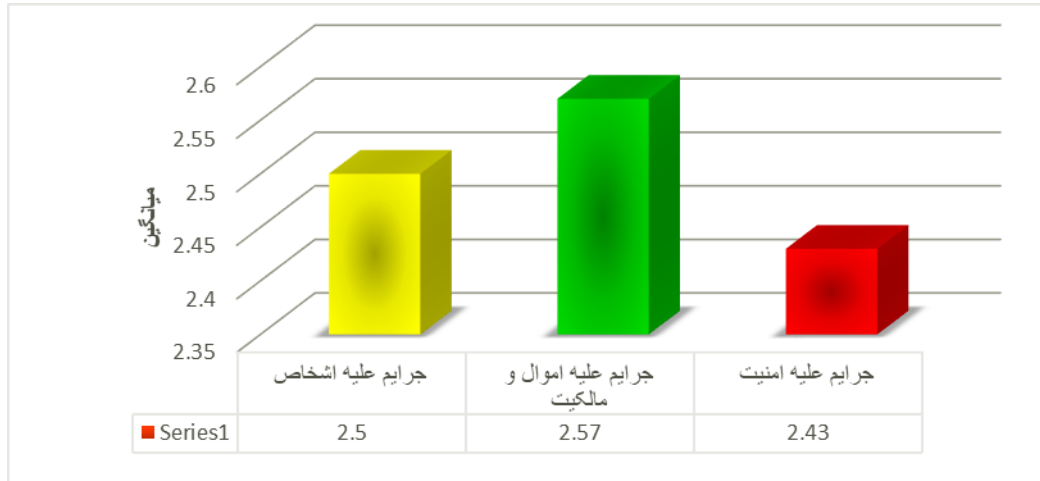
یکی از چالش‌های اساسی در نظام حقوقی ایران، نبود انسجام و هماهنگی در سیاست‌گذاری کیفری است. در بسیاری موارد، قانونگذار بدون طراحی یک راهبرد جامع و بلندمدت، به صورت واکنشی و مقطعی به رویدادها یا فشارهای اجتماعی پاسخ داده و قوانینی را به تصویب می‌رساند که در عمل با سایر مقررات کیفری در تعارض یا تناقض قرار می‌گیرند. به عنوان نمونه، در برهه‌ای از زمان، قانون‌گذار با تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» بر شدت برخورد کیفری تأکید کرده است اما در فاصله‌ای کوتاه، قوانینی همچون «قانون کاهش مجازات حبس تعزیری» به تصویب می‌رسد که فلسفه آن کاستن از کیفرهای شدید و جایگزینی آنها با تدابیر ارفاقی و اقدامات غیرسالب آزادی است. این دوگانگی نه تنها نشان از نبود یک خط‌مشی روشن و پایدار دارد، بلکه بیانگر غلبه رویکرد مقطعی و غیرکارشناسی در فرآیند تقنین است. نتیجه چنین وضعیتی، تضعیف پیش‌بینی‌پذیری و کارآمدی نظام کیفری و ایجاد سردرگمی برای مراجع قضایی در مقام اجراست. به بیان دیگر، هنگامی که قانونگذار هم‌زمان بر سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه و تسهیل‌کننده تأکید می‌کند، ثبات حقوق کیفری را خدشه‌دار شده و سیاست جنایی ایران فاقد انسجام و کارآمدی جلوه می‌کند.

۸-۲- مقایسه‌ی پایبندی قضاات در اقسام جرایم

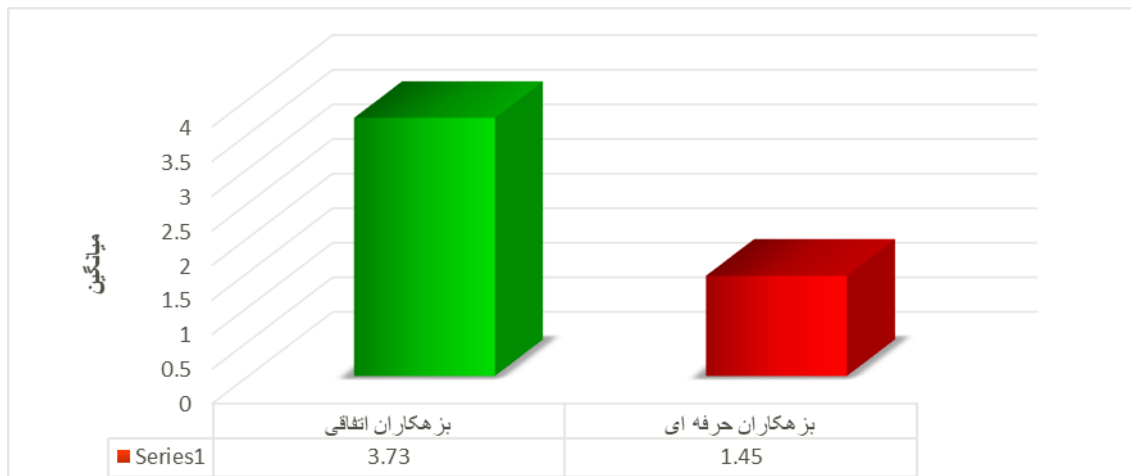
نمودار (۷) نحوه پاسخگویی



نمودار (۸) مقایسه‌ی پایبندی قضاات به اصل آخرین راهکار در اقسام جرایم



نمودار (۹) مقایسه‌ی پایبندی قضاات به اصل آخرین راهکار در جرایم بزهکاران اتفاقی و جرایم بزهکاران حرفه



نتیجه‌گیری و پیشنهادات:

اصل «آخرین راهکار» در حقوق کیفری، بر مبنای قاعده‌ای بنیادین بنا شده که مداخله‌ی کیفری را به عنوان آخرین چاره و نه اولین واکنش در برابر بزهکاری به رسمیت می‌شناسد. این اصل، ترجمان حقوق بشری حراست از آزادی‌های فردی در برابر قدرت کیفری دولت است و هدف آن، جلوگیری از گسترش بی‌ضابطه‌ی قلمرو کیفر و تقویت راهبردهای غیرکیفری در مواجهه با انحرافات اجتماعی است. با تأملی ژرف بر یافته‌های این پژوهش، بی‌تردید می‌توان گفت که اصل آخرین راهکار، نه صرفاً یک تکنیک کیفری، بلکه بنیان یک فلسفه‌ی عدالت‌محور در نظام‌های حقوقی معاصر است؛ اصلی که رسالت والای آن، صیانت از آزادی‌های بنیادین و تضمین عقلانی‌ترین شیوه‌ی مواجهه با بزهکاری است. بر مبنای تحلیل‌های آماری و داده‌های تجربی این تحقیق، میزان پایبندی قضات به این اصل در حد متوسط ارزیابی شده، و این خود زنگ خطری است که سیاست‌گذاران جنایی باید با گوش جان آن را بشنوند. به نحوی که اگرچه تمایل به رعایت این قاعده در بدنه‌ی قضایی قابل مشاهده است، اما این پایبندی با استانداردهای مطلوب حقوق کیفری نوین فاصله معناداری دارد. تحلیل داده‌های آماری حکایت از آن دارد که میان گروه‌های مختلف قضات از حیث سمت قضائی، سطح تحصیلات و سابقه خدمت، در میزان التزام به اصل آخرین راهکار، اختلاف معنادار وجود دارد. این تفاوت‌ها، بیش از آنکه ناشی از ویژگی‌های فردی باشد، بازتابی از نقص در سیاست‌های آموزشی، تفاوت در منابع الهام‌بخش رویه‌های قضایی، و نبود اجماع نظری در درک کارکرد اصل مورد بحث است. یافته‌ها گویای آن است که میزان تحصیلات و سابقه‌ی حرفه‌ای قضات در پایبندی آن‌ها به اصل آخرین راهکار تأثیرگذار است. قضاتی که دارای مدارک تحصیلی بالاتر (به ویژه دکتری) هستند، فهم عمیق‌تر و کاربرد دقیق‌تری از این قاعده نشان داده‌اند. این امر گواهی بر این حقیقت است که ارتقای کیفی آموزش‌های حقوقی تخصصی و تقویت دانش نظری، نقشی محوری در توسعه‌ی عدالت کیفری معطوف به اصول انسانی دارد. نکته‌ی قابل توجه دیگر، نگرش نسبتاً سخت‌گیرانه‌ی قضات در قبال جرایم علیه امنیت عمومی است. این امر نشان می‌دهد که اصل آخرین راهکار در مواجهه با برخی جرایم خاص، در عمل تضعیف شده و ملاحظات امنیتی بر موازین کلاسیک عدالت کیفری غلبه یافته است. این وضعیت، تهدیدی جدی برای تعادل میان تأمین امنیت جمعی و صیانت از آزادی‌های فردی به شمار می‌آید. علاوه بر این، ضعف نهادهای ارفاقی و بی‌اعتمادی نسبی قضات به کارآمدی عدالت ترمیمی و شوراهای حل اختلاف، از دیگر یافته‌های معنادار این تحقیق است. این موضوع بیانگر آن است که بسترهای غیرکیفری لازم برای تحقق عملی اصل آخرین راهکار، هنوز در ایران به حد بلوغ و کارآمدی نرسیده‌اند. در نهایت، نتایج این پژوهش به روشنی بر خلأ یک سیاست جنایی منسجم و هدفمند در زمینه رعایت اصل آخرین راهکار دلالت دارد. در غیاب یک راهبرد ملی هماهنگ، قضات ناگزیر به اعمال سلیقه‌های فردی شده‌اند و این امر نه تنها موجب بی‌ثباتی رویه‌های قضایی می‌شود بلکه در بلندمدت می‌تواند به تضعیف اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری بینجامد. بر این اساس، ضرورت دارد که نظام قضایی کشور، با اتخاذ تدابیری همچون بازنگری در برنامه‌های آموزشی، تدوین دستورالعمل‌های رویه‌ای متحدالشکل، تقویت نهادهای عدالت ترمیمی و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی مؤثر، اصل آخرین راهکار را از سطح یک شعار نظری به یک قاعده‌ی عملی در فرآیند دادرسی کیفری ارتقا بخشد. رعایت دقیق این اصل، نه تنها تضمین‌کننده‌ی احترام به حقوق بنیادین انسان‌هاست، بلکه نشانه‌ی بلوغ حقوقی و نشانه‌ی حرکت به سوی عدالت کیفری انسانی‌تر و پیشگیرانه‌تر خواهد بود. در منظومه‌ی حقوق معاصر، اصل آخرین راهکار به مثابه مرزی است که عدالت را از انتقام‌جویی، و قانون را از استبداد تمیز می‌دهد. بی‌توجهی به این اصل، حقوق کیفری را به ابزاری برای سرکوب بدل ساخته و زمینه‌ی فروپاشی اعتماد عمومی به عدالت را فراهم می‌سازد. در سوی مقابل، تمکین به این قاعده‌ی زرین، نظم اجتماعی را مستحکم، کرامت انسانی را مصون، و چهره‌ی عدالت را از هرگونه شائبه‌ی خشونت و افراط تطهیر می‌کند. بر این اساس، بر دستگاه عدالت کیفری ایران فرض است که با الهام از آموزه‌های حقوق تطبیقی و الزامات حقوق بشر، اصل آخرین راهکار را از عرصه‌ی نظریه به میدان عمل سوق دهد؛ به گونه‌ای که مجازات، تنها پس از ناکامی نهادهای غیرکیفری و تنها در موارد ضرورت، آن هم با رعایت کامل تناسب و

عقلانیت، اعمال گردد. آینده‌ی عدالت کیفری در گرو احیای همین اصل است؛ اصلی که همچون سپری سترگ، در برابر خطرات گسترش بی‌رویه‌ی کیفر و فروغلتیدن عدالت در ورطه‌ی ستمگری، ایستادگی خواهد کرد. بی‌گمان، در جهانی که عدالت، والاترین آرمان انسانی شمرده می‌شود، بر ماست که با بازخوانی اصول بنیادین چون اصل آخرین راهکار، به سوی نظامی حرکت کنیم که در آن کیفر، آخرین نغمه‌ی ناگزیر، و رحمت و ترمیم، نخستین ملودی پاسخ به بزه باشد. آری، آینده‌ی عدالت در گرو آن است که قاضی نه تنها مجری قانون، بلکه پیام‌آور انسانیت، تعقل و صلح باشد. چنین است که دستگاه عدالت کیفری می‌تواند به رسالت دیرین خود، یعنی برقراری امنیت با حفظ کرامت انسان، جامه‌ی عمل پوشانده و راه تعالی جامعه‌ی انسانی را هموار سازد.

پیشنهادات: ۱. شایسته است که نهادهای قانونگذاری، در عرصه‌ی جرم‌انگاری، با تأملی ژرف‌تر بر اصل آخرین راهکار تکیه زنند و پیش از وضع هر ضمانت اجرای کیفری، تمامی گزینه‌های غیرکیفری را با دقتی درخور شأن عدالت بشری بررسی نمایند؛ باشد که ساحت قانونگذاری از بیهوده‌گویی و افراط در کیفر پاک گردد. ۲. دستگاه قضایی می‌باید با تقویت آموزه‌های علمی و مهارتی قضات، به ویژه در حوزه عدالت ترمیمی و نهادهای ارفاقی، زمینه‌ی تبلور قضاتی آگاه و مصلح را فراهم آورد؛ قضایانی که کیفر را تیغ آخرین و صلح را راه نخستین بشمارند. ۳. ضرورت دارد که آموزه‌های مرتبط با اصل آخرین راهکار به عنوان یکی از مبانی حقوق کیفری نوین، به طور مؤثر در دوره‌های آموزشی بدو خدمت و ضمن خدمت قضات گنجانده شود، تا بدین وسیله هر رأیی که صادر می‌شود، ترجمان عقلانیت، احتیاط و پاسداشت کرامت انسانی باشد. ۴. پیشنهاد می‌شود سازوکارهای نظارتی و ارزیابانه‌ای برای بررسی میزان پایبندی عملی قضات به اصل آخرین راهکار طراحی گردد؛ نظارتی که نه از جنس تحکم، بلکه در راستای تعالی و ارتقای عدالت باشد. ۵. بایسته است که در سیاست‌های جنایی کلان، با رویکردی بازنگرانه، هماهنگی و انسجام بیشتری میان نهادهای مختلف مرتبط با عدالت کیفری ایجاد شود، تا کاربست اصل آخرین راهکار از یک شعار مهجور به واقعیتی جاری در حیات اجتماعی بدل گردد. ۶. تقویت گفتمان عمومی پیرامون کیفرزدایی و ترویج فرهنگ حقوقی مبتنی بر پیشگیری، اصلاح، و کیفر حداقلی از طریق رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی به‌منظور کاهش مطالبه اجتماعی نسبت به مجازات‌های سخت‌گیرانه و کیفری‌سازی بی‌رویه نقش موثری در ارتقای سطح حقوق کیفری خواهد داشت. ۷. همچنین لازم است قانونگذار در بازنگری‌های آتی قوانین کیفری، تدابیر مؤثری برای گسترش سازوکارهای جایگزین کیفر، چون میانجیگری کیفری، تعلیق تعقیب، و تدابیر اصلاحی پیش‌بینی نماید تا دریچه‌ای تازه به سوی عدالت ترمیمی و انسانی گشوده شود و حقوق کیفری در چهره‌ی رحمانی خود متجلی گردد.

فهرست منابع:

الف) منابع پارسی

- بخشی‌زاده، طاهر، بشیریه، تهمورث، غلامی، حسین، اصل حداقل بودن حقوق جزا در حقوق کیفری ایران؛ چالش‌ها و راهکارها، نشریه آموزه‌های فقه و حقوق جزا، (۱۴۰۲).
- پیوندی، غلامرضا، کیفرگذاری، مبانی، اصول، معیارهای و چالش‌ها، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (۱۴۰۰).
- حاجی ده‌آبادی، احمد، سلیمی، احسان، اصول جرم‌انگاری در فضای سایبر با رویکردی انتقادی به قانون جرایم رایانه‌ای، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۸۰ (۱۳۹۳): ۶۱-۸۸.
- حاجی ده‌آبادی، محمد علی، سلیمی، احسان، مبانی، اصول و سازوکارهای اجرایی مدل کیفرگذاری هدفمند، نشریه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۹ (۱۳۹۸): ۱۰۱-۱۳۴. DOI: 10.22054/jclr.2019.29306.1657
- خاکی، غلامرضا، روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی، نشر فوژان، ۱۳۹۱.
- دلاور، علی، احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی، انتشارات رشد، ۱۳۸۰.
- رستمی، هادی. «حقوق کیفری و لیبرالیسم، بررسی کیفر در سنت فلسفی لیبرال»، نشر نگاه معاصر، (۱۳۹۹).
- رستمی، هادی، برزگر، مه‌ری، کمینه‌گرایی در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹) و چالش‌های فراروی آن، نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری ۲۵ (۱۴۰۱): ۷۵-۹۷. DOI: 10.22124/JOL.2022.19710.2148
- رستمی، هادی، میرزائی، فرهاد، تحول در نظام کیفردهی در پرتو فرآیند تمدن، نشریه پژوهش حقوق کیفری ۳۴ (۱۴۰۰). DOI: 10.22054/jclr.2021.41182.1891
- ساروخانی، باقر، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی: اصول و مبانی (جلد ۱)، ۱۳۹۲.
- سمیعی عارف، زهرا، اصل حداقل بودن حقوق جزا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، (۱۳۹۰).
- شهنواز، علی احسان، کاربست اصل آخرین راهکار در جرم‌انگاری و کیفرگذاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی‌سینا، (۱۴۰۲).
- عسگری نسب، کاظم، جایگاه اصل حداقلی بودن حقوق جزا در نظام سیاسی حقوقی مبتنی بر مبانی جمهوریت و اسلامیت، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۲۷، (۱۳۹۷).
- علوی، سید حسن، مبانی رویکرد جرم‌انگاری حداقلی در فقه جزایی با تأکید بر اصل کمینه بودن حقوق جزا، نشریه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوقی، (۱۴۰۳).
- غلامی، حسین، اصل حداقل بودن حقوق جزا، نشر میزان، (۱۳۹۶).
- نوبهار، رحیم، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، نشر میزان، (۱۳۹۶).
- نوبهار، رحیم، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری، نشریه آموزه‌های حقوق کیفری (۱۳۹۰).
- هوساک، دادگلاس، جرم‌انگاری افراطی، محمدتقی نوری (مترجم)، انتشارات مجد، (۱۳۹۰).
- هوساک، دادگلاس، حقوق کیفری به مثابه آخرین راه‌حل، در: اصل حداقل بودن حقوق جزا، مهرانگیز روستایی (مترجم)، نشر میزان، (۱۳۹۶).
- الهی‌منش، محمدرضا، مرادی، محسن. حق بر مجازات نشدن؛ رویکردی نوین در کاربست پاسخ‌های کیفری، (۱۴۰۴).
- هی‌وود، اندرو، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، محمد رفیع مهرآبادی (مترجم)، انتشارات وزارت امور خارجه، (۱۳۷۹).

ب) منابع خارجی

- Braithwaite, John, Pettit, Philip, "Not Just Deserts: A Republican Theory of Criminal Justice", oxford, Clarendon press, 1990.
- Brockhaus, "Konversations Lexikon", 14 ed. Leipzig: Brockhaus, Vol. 16, 1908.
- Duff, R.A., and Garland D., Thinking about Punishment, In: A Reader on Punishment, Oxford university Press, 1994.
- Georges, K.E., "Lateinisch-Deutsches Wörterbuch". 4 ed, 1887.
- Prantl, H., "Krieg als letztes Mittel. In: K. Ambos, J. Arnold, eds. Der IrakKrieg und und das Völkerrecht", Berlin: Berliner, 2004.
- Wellman, Christopher, "Rights Forfeiture and Punishment", Oxford University Press, ch. 2. (2017)
- Wendt, Rudolf, "The Principle of 'Ultima Ratio' And/ or the Principle of Proportionality", Oñati Socio-Legal Series, v. 3.n, 2013.